شماره ۲۵ / جنوری ۲۰۱۱

افغان آپدیت

جوانان ورزشکار افغان در تلاش صلح به ما انگیزه میدهند

بازی اسکیت: زبان نو برای کابلی های جوان

کریکت ورزشکاران افغانستان

بزکشی در جریان سالها

د یوناما دخپرونو څخه

د یوناما په هکله

په افغانستان کې د ملګرو ملتونو د مرستې پلاوی (یوناما) یو سیاسی پلاوی دی چې په ۲۰۰۲ کال کې د حکومت په غوښتنه او د ملګرو ملتونو د امنیت شورا له خوا ایجاد شویدی تر څو د حکومت او د افغانستان د خلکو سره مرسته وکړی چې د دوامداری سولې او پرمختیا بنسټ پریږدی. یوناما په افغانستان کې د ملګرو ملتونو د نورو دفترونو، پروګرامونو او پانګو سره په هر اړخیزه توګه کار کوی چې د تیرو ۶۵ کلونو راهیسی د افغانستان د خلکو سره مرسته کوی.

یوناما د ستفان دی میستورا، د افغانستان لپاره د ملګرو ملتونو د عمومی منشی د ځانګړی استازی له خوا مشری کیږی، چې د هغه د خلکو او حکومت سره په مهمو ډګرونو کې لکه امنیت، حکومت داری، منطقوی همغږی او همدارنګه په ۲۰۱۰ کال د جنوری په میاشت کې د لندن کنفرانس او له هغه وروسته په ۲۰۱۰ کال د جولای په میاشت کې د کابل په کنفرانس کې تر سره شوی متقابلی ژمنی بشپړ پلی کولو کې مرسته او ملاتړ کوی.

په افغانستان کې د ملګرو ملتونو د فعالیتونو، کیسی، ورځنی خبری، عکسونو، سندونو او د افغانی رسنیو لنډیز د بشپړ لوستلو لپاره د یوناما لاندنی ویب سایټ څخه لیدنه وکړئ. www.unama.unmissions.org

یوناما اوونیز راډیویی پروګرامونه هم خپروی چې پراخ موضوعات، د افغانستان د خلکو د مرستې په هکله د ملګرو ملتونو د فعالیتونو او پروګرامونو په ګډون، نننی افغانستان، د افغانستان د ملی راډیو تلویزیون څخه خپریږی او دری او پښتو د یوناما د ویب سایټ څخه ډونلود (راښکته کول) کولای شې.

په همدی ډول یوناما د افغانستان په ملی راډیو تلویزیون کې د دوو تلویزیونی پر له پسی خپرونو ګډ تولید کوونکی هم دی. د حقیقت په لټه کې، تحقیقی او جنایی لړی. د ښار هینداره چې په هرو دوو اوونیو کې یو ځل خپریږی او په ښار کې بیلابیلی مسلې، د چاپیریال، د قانون ځواکمنتیا، عامه روغتیا او سیاست په ګډون، مسالی نشروی. د ښار هینداره پروګرام د افغانستان په دولتی تلویزیون کې د عامه چارو د لړی د علمبرداره په حیث کار کوی. دغه پروګرامونه هر دوشنبه او پنجشه د افغانستان په ملی رادیو تلویزیون کې مه هیروی.

افغان اپډیت د یوناما د ویندوی او ستراتیژیک اړیکی د څانګې دری میاشتنی خپرونه ده چې د خپل هیواد په آبادولو کې د افغانستان د خلکو هڅی او لاسته راوړنی رابرسیره کوی.

در مورد یوناما

هئیت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) یک مأموریت سیاسی بوده که در سال ۲۰۰۲ از سوی شورای امنیت ملل متحد به اثر تقاضای حکومت افغانستان غرض کمک به حکومت و مردم افغانستان بخاطر بنا گذاشتن یک صلح و انکشاف پایدار تأسیس گردید. یوناما با سایر ادارات، وجوه و برنامه ها که خانواده یا سیستم ملل متحد در افغانستان را تشکیل میدهند و از مدت شصت و پنج سال بدینسو مردم افغانستان را کمک مینموده اند بطور هماهنگ کار مینماید.

یوناما به رهبری آقای ستفان دی میستورا، نماینده خاص سرمنشی ملل متحد برای افغانستان، حکومت و مردم افغانستان را در تلاشهای شان جهت آوردن بهبود در عرصه های مهم چون امنیت، حکومتداری و انکشاف اقتصادی، و همکاریهای منطقوی، و همچنان کمک در راستای تطبیق کامل تعهدات دوجانبه روی این مسایل که در کنفرانس لندن در ماه جنوری ۲۰۱۰ و متعاقباً در کنفرانس بین المللی کابل در ماه جولای ۲۰۱۰ صورت گرفته کمک و حمایت میکند. یوناما و خانواده ملل متحد برای محافظت و تحقق حقوق بشر، و تساوی حقوق زنان نیز کار مینمایند.

جهت خواندن همه خبرهای روز و دیدن تصاویر مربوط به فعالیت های ملل متحد در افغانستان، تصاویر روز، اسناد و خلاصه خبرهای رسانه های افغانستان، به ویب سایت یوناما در www.unama.unmissions.org مراجعه نمائید.

یوناما یک برنامه هفته وار رادیوئی را که در برگیرنده موضوعت مختلف، منجمله فعالیت های ملل متحد جهت کمک به مردم افغانستان است تهیه و پخش مینماید. برنامه ''افغانستان امروز'' از طریق رادیو تلویزیون ملی افغانستان پخش میگردد و این برنامه به زبانهای دری و پشتو روی ویب سایت یوناما نیز قابل دریافت است.

یوناما دو برنامه منظم تلویزیونی را با رادیو تلویزیون ملی افغانستان مشترکاً تهیه و پخش مینماید. برنامه ''در جستجوی حقایق''، که نامزد جایزه است، سلسله ای از جرایم و جریان تحقیقات جنائی را به نمایش میگذارد. برنامه ''آئینه شهر''، که دو بار در هفته به نشر میرسد، رویدادهای جاری گوناگون، منجمله موضوعات مربوط به محیط زیست، حاکمیت قانون، صحت عامه و سیاست را به تصویر میکشاند. آئینه شهر بعنوان یک برنامه تلویزیونی سلسله ای از امورات را به شهروندان افغان به تصویر میکشد. شما این برنامه ها را به روز های پنجشنبه و دوشنبه از طریق رادیو تلویزیون ملی افغانستان تماشا کرده میتوانید.

''افغان اپدیت'' یک نشریه ربع وار بوده که از سوی بخش ارتباطات استراتیژیک و سخنگویان یوناما به نشر رسیده و تلاشها و دستاوردهای مردم افغانستان در راستای اعمار کشور شانرا انعکاس میدهد.

د محتویات جدول

GŽőG Pbŏ ĂPbĕü Ôügʅ Ơ ÔǤ éǨgŏbP úbŢb ŏ Ơ Ơ ăĦ žgŭ Ǩżbǁcgü ùbǁŃb ùbgấ ;ăübǏŭþʅ bPgƏţoŭ ǨƠ ùbŅƏʅ ǨŖbƏʅb ǨŽǏẢbấ Ơ ۱
ĂPbĕü gẢbQǗcbŏ ùbgấ Ơ ăcĤ ŏ gẢ ;ăcgü HʉQǓʅ Ơ ۲
ŭơọŏ ăĦPgĚbP bọc bọc HʉǓQþŏ Ơ ùbƏţẢbǁŃb Ơ ۴
þêź ĞgẢ ŏ ŖPbĐŭ Ơ ùbƏţẢbǁŃb Ơ ۶
ăẢơẢhọĚ ǩQbơƏcb ğǕŏƧc Ơ ۸
ǨſQǗấ ǩŏ gọübọʅ ăĚ GơẢbgǓĦ Ơ ŏPgƏʅ ùbǁŃb ۱۰

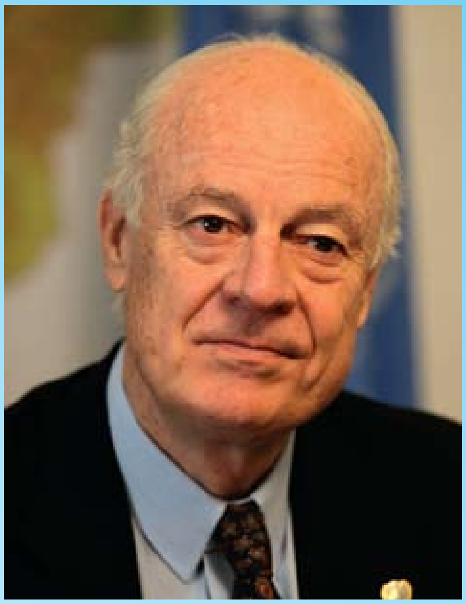

ستفان دی میستورا
نماینده خاص منشی عمومی ملل متحد برای افغانستان

جوانان حمایت گر افغان در تلاش برای صلح به ما انگیزه میدهند

جوانان آینده افغانستان اند. جوانان افغان برای احراز جایگاه شان در صف مقدم ایجاد صلح و شگوفایی ملی به فرصت های لازم برای آموزش، رشد و شناخت یکدیگر در تمام گروه های قومی، جغرافیایی، جنسیت و دیگر گروه های اجتماعی نیازمند هستند.

حمایت راه بهتری برای اتحاد جوانان افغان در این تلاش می باشد. حمایت به جوانان فرصت های لازم را برای کار در گروه ها بخاطر یک هدف مشترک، آزمایش شکیبایی و پایداری و تصمیم گیری و ایجاد مهارت ها جهت تحقق رویا های فردی و گروهی فراهم می سازد. حمایت ارزش های سالم مانند نظم، همکاری و تعهد را رشد می دهد.

همانگونه که این شماره افغان اپدیت تأکید می کند، جوانان افغان مایل اند تا بخاطر پیوستن و لذت از ورزش از فرصت های لازم استفاده کنند. دختران و پسران، زنان و مردان جوان افغان در سراسر کشور ورزش های مختلف بشمول ورزش فردی مانند تکواندو و سکیت بورد و یا ورزش های گروهی مانند کریکت و یا فوتبال را هر روز انجام می دهند. با توجه به فشار و تلاش بر بیشتر اجتماعات در زمانی که هنوز منازعات در افغانستان حل نشده، در این شماره باز جوانان افغان در همه گفته هایشان اهمیت سرگرمی و تفریح در زندگی را به ما گوشزد می کنند. در سرگرمی و در حمایت شان از هم گروه شان و یا در حمایت از رقبای شان ما بنیاد های را در نسل جدید افغان می بینیم که بخاطر صلح ایجاد شده است.

امسال روز جهانی صلح فقط یک ماه بعد از شروع سال جهانی جوانان آمده. ملل متحد در افغانستان به روش های مختلف مشغول فعالیت است تا یک زندگی بهتر را برای جوانان این کشور ایجاد کند. در ماه اکتوبر به تعداد ۱۰۰ دختر و ۲۰۰ پسر سه روز را در یک کمپ آموزشی کرکت در جلال آباد سپری نمودند تا روز جهانی جوانان را گرامی بدارند. موضوع امسال این کمپ به حمایت یونیسف ''گفتگو و درک متقابل'' بود و این نشان میدهد که چگونه حمایت باعث ترغیب حوصله و پذیرش می گردد و در رشد جسمی و اخلاقی جوانان سهم دارد.

گفتگو و درک متقابل موضوع امسال روز جهانی جوانان است و با ایفای تعهد در اجتماعات سراسر کشور، افغان های جوان کمک میکنند تا بخاطر هم آهنگی اجتماعی و میان فردی بنیاد های لازم را ایجاد کنند. مهمتر از همه جوانان از طریق ورزش در حال کمک کردن به ایجاد صلح در کشور خود هستند.

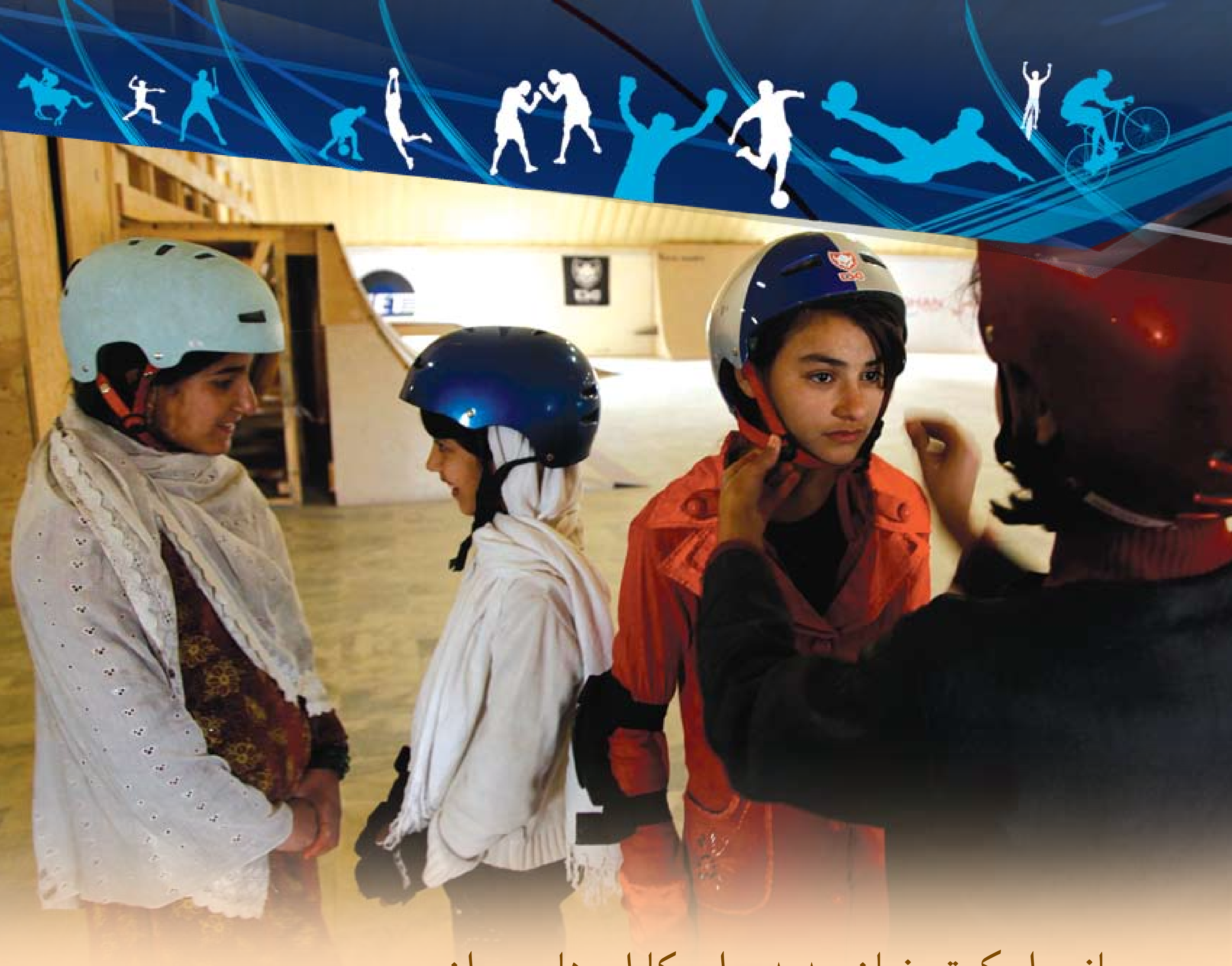

بازی اسکیت: زبان جدید برای کابلی های جوان

جوانان افغان با دسترسی به ورزش به جوانان کشور کمک و مردم را با هم متحد می سازد.

ده ها دخترجوان در وسط یک اتاق گنبد شکل ایستاده و به راهنمایی های وهیله گوش میدهند. صدای استاد و شاگردان با طنین خاصی بر دیوار های سالن برخورد میکرد. ناگهان گفتگو ها متوقف شده و شاگردان به سوی اسکیت بورد ها هجوم آوردند و بعد از بستن کلاه های ایمنی و زانو بند ها دوباره بدور مربی خویش حلقه زدند. این دختر ها تمرینات را خوب بلد بودند و چنان سکیت میزدند که برای یک لحظه فراموش تان میشود که بازی اسکیت بورد دختران در افغانستان یک امر غیر معمول است.

مربی وهیله ۱۳ ساله حتی از بعضی از شاگردان خویش جوانتر است. در گذشته این دختر در جاده های پر گرد و خاک کابل ساجق می فروخت تا اینکه یک روز با اولویر پرکوویچ یک پژوهشگر آسترالیایی که در سال ۲۰۰۷ به کابل آمده بود آشنا شد. اولویر در آن زمان هنوز مشغول کار نشده بود، که به آموزش سکیت بورد به کودکان خیابانی در شهر اقدام کرد. وهیله این ورزش را به زودی پسندید و روزانه ساعتها در مکروریان تمرین میکرد. حالا این دختر ماهانه حدود ۶ هزار افغانی از طریق آموزش سکیت به همنوعان خود بدست می آورد.

پرکوویچ موسسه غیر دولتی سکیتستان را در سال ۲۰۰۸ ایجاد نمود و به عنوان مدیر این موسسه میگوید:" وهیله دیگر یک ستاره در ردیف خود شده است.

اما در صنف جائیکه وهیله به آموزش غیر رسمی کلاس ها آغاز نموده شخص دیگری ستاره و او فقط یک شاگردن معمول شمرده میشود." او در ادامه میگوید: " وقتی این دخترها از یکدیگر می آموزند، همدیگر را بهتر درک میکنند و در نتیجه میتوانند به روش بهتر به هم یاد دهند."

سکیت بورد فقط آغاز این کار است. وهیله و دیگر دختران و پسران همسن و سال او که از مکتب باز مانده اند، هفته ها از طریق صنف ها دوباره در مکتب قرآن کریم، دری و ریاضی را می آموزند.

" ورزش نکته ساده ی برای کسب آموزش است و فرقی نمیکند که شما جوان، پولدار یا فقیر، تحصیل کرده و یا بی سواد هستید و همه این افراد به روش یکسان در ورزش سهم میگیرند."

پرکوویچ با داشتن یک تیم ۲۵ نفره که اکثرا شان داوطلب هستند، سکتیستان را به مثابه مکانی می بیند که در آن ورزش تجربیات عملی را برای ایجاد صلح در اختیار جوانان قرار میدهد. ورزش با پیوند زدن شگاف های قومی، اجتماعی و فرصتها زمینه خوبی را برای اتحاد جوانان

و گوش دادن به ندای همدیگر، صحبت و در نهایت آموختن از همدیگر مهیا می سازد. دستاورد های مشترک از طریق ورزش میتواند پیوند ها را در میان گروه های مختلف ببار آورد. غرش چرخ های سکیت بورد این جوانان تلاش دیگری است میلیون های کیلومتر دور از کنفرانس های دیپلوماسی.

بیش از ۳۰۰ جوان با هدف فراگیری سکیت و دیگر فعالیت ها بطور منظم به سکیتستان می آیند.

سوفی فریدل یکتن از مربیان آلمانی که سال گذشته به تیم سکیتستان پیوسته میگوید که با گذشت زمان شاهد تغییراتی در جوانان بوده. به گفته او در آغاز کودکان دارا و نادار از همدیگر دور می نشستند و کمتر با هم ارتباط برقرار میکردند. اما طی چند هفته این کودکان به گفتگو با یکدیگر آغاز کردند و رابطه نزدیکتری بین شان ایجاد شده است.

او با مرور حوادث روز های اول می گوید: '' یکبار وقتی منتظر شروع تمرینات بودیم، دختران پولدار نزدیک آمدند و بر گونه های من بوسه زدند. سپس دختران فقیر و همه دختران با یکدیگر روی بوسی کردند و این برای من خیلی جالب و خوش آیند بود. البته من مطمئن نیستم که این پدیده در سراسر کابل یکسان تأثیر گذار باشد. شاید در محیط خانوادگی شان طور دیگر باشد، اما اینجا محلی است که این دختران حد اقل میتوانند احساسات شان را آزادانه تبارز دهند''.

مقدسه با دقت سکیت بورد خود را از میان مخروط های سرخ رنگ هدایت کرد و بعد آمد در کنار یک گروه از دختران نشست. این فارغ صنف هفت کمتر از دو هفته قبل تمرینات خود را آغاز کرده و اکنون تعداد زیاد دوست و آشنا در اینجا دارد. او می گوید: '' از آمدن به اینجا خیلی احساس خوشحالی میکنم، حتی بعد از پایان تمرینات. میخواهم هرچه بیشتر سکیت برانم. در جاده، خانه و حتی در مکتب. من از پدرم خواستم تا یک سکیت بورد برایم بخرد، اما او در پاسخ گفت که پول ندارد''.

دختر دیگری بنام فرحناز سال گذشته وقتی معلم اش او را به این مرکز آورد، تمرینات خود را آغاز کرد. خانواده این دختر خیلی از او حمایت میکنند. فرحناز قبل از اینکه یک دور دیگر سکیت براند میگوید: '' از اینکه درس میخوانم و در اوقات فراغت اینجا سکیت میرانم، خانواده ام خیلی خوشحال است. میخواهم بهترین سکیت باز باشم، تا بتوانم خودم را حمایت کنم و در نتیجه مانند سوفی مربی شوم و دیگران را آموزش دهم''.

اعتماد این دختر ها تابناک است. همانگونه که فریدل یاد آور شد، این دختر ها به طرح دیدگاه و نظریات میان همدیگر آغاز کرده اند.

فریدل میگوید: '' من به سادگی خیلی مسایل ساده را از این دختر ها می پرسم، مانند اینکه چه چیز را بیشتر دوست دارید، سیب یا کیله؟ و این خود باب جدیدی برای طرح نظریات موافق و مخالف از سوی آنهاست.

در واقع از میان ۳۱۵ شاگرد سکیتستان بعضی آنها با همین سادگی آغاز کردند. من از وهیله که تازه توقف کرده بود تا نفسی تازه کند، پرسیدم، آیا میتوانی به ما بگویی که چگونه به بازی سکیت بورد آغاز کردی؟

وهیله بدون تعارف گفت ''نه'' و با شتاب به سوی همبازی هایش رفت.

فراز و نشیب کریکت افغانستان

وقتی طبل های پولادین سرود ملی افغانستان را نواخت سراپایم را هیجان فرا گرفت. دو سال تمام با تیم کریکت افغانستان در سفر بودم و همه ماجرا را ثبت نموده بودم و چیزی به معنی رسیدن ما به مقصد نبود، جز شنیدن سرود ملی افغانستان که به تاریخ اول می در میدان کریکت بیساجور سنت لویس طنین انداز بود.

تشویق کنندگان با لباس های عجیب، صورت و بدن های رنگین و بستن پرهای رنگارنگ به سر با هیجان عجیبی دف های تأثیر گذار خود را می نواختند و با تکان دادن پرچم افغانستان خود را شریک بازی میدانستند. تیم کرکت افغانستان صفحه جدیدی را در تاریخ کشور باز میکرد. گزارشگر مشغول تنظیم دستگاه فرستنده خود بود تا برای ۳۰ میلیون افغان شنونده رادیو سلام وطندار این مسابقه را گزارش دهد. اکثر شنوندگان نمی دانستند چه هیجانی وجود داشت و شاید هنوز هم ندانند، اما در آن روز یعنی در اول می رخدادی اتفاقی افتاد که مایه فخر و سر فرازی افغانها شد. تیم ملی کرکت افغانستان به مرحله بین المللی رسیده بود و آماده رفتن به مسابقات ۲۰ تیم برتر جهان کریکت به کشور هندوستان بود.

برای اکثر افغانها فراز و نشیب تیم کریکت افغانستان معلوم نیست که چگونه بود، اما برای کسانی که میدانند این مسابقات تلاشی برای عشق، کار دشوار و پایان بسیار مناسبی برای سفر شگفت انگیزی بود که بیش از یک دهه ادامه داشت.

اصل ماجرا شاید روزی با تأثیر عمیق از کارخانه هالیوود سر بیرون آرد: مهاجرین جوان با پاهای برهنه روی سنگفرش ها کریکت بازی میکردند. دنده شان چوب درختان و توپ بازی شان پارچه های کهنه بود و در نهایت روزی فرصت رویارویی و بازی با قهرمانانی کریکت را برای آنها میسر ساخت و مهمتر از همه فرصت بدست آوردند تا به همه جهانیان نشان دهند که افغانستان خیلی چیز ها برای پیش کش دارد و نه فقط جنگ و ترورو طالبان که سرخط اخبار جهان باشد.

رئیس احمدزی یک تن از توپ زنان و عضو ارشد تیم کریکت افغانستان می گوید ''جهانیان فکر میکنند که افغانها فقط در جنگ درگیر اند و به نظر من بازیکنان کریکت ما به جهانیان نشان میدهند که ما فقط جنگجو نیستیم. ما مردم صلح دوست هستیم و خواهان رابطه خوب با همه جهانیان می باشیم.''

رئیس که زاده روستای ازرا در ولایت لوگر است، در جریان حضور نیرو های شوروی در دهه ۱۹۷۰ در افغانستان به خارج از کشور فرار کرده بود. به مثابه یک بخشی از اقوام کوچی، خانواده رئیس در کمپ مهاجرین کچه گری ساکن شد و در آنجا شهر پشاور بود که رئیس رشد نمود و برای اولین بار با کریکت آشنا شد.

رئیس با تکرار خاطرات خویش می گوید ''من هنوز طنین آهنگ پیروزی تیم پاکستان را در سال ۱۹۹۲ در مسابقات جهانی به گوش دارم. در آن زمان ما شاهد جشن و سرور، شلیک تفنگ و احساس خوشی عمیقی بودیم و ما از همان زمان تصمیم گرفتیم که باید این بازی را یاد بگیریم''.

رئیس بار اول در دسمبر ۲۰۰۱ میلادی به افغانستان آمد. او بخاطر کریکت دوباره باز گشت، زیرا شنیده بود تیم ضعیف کریکت افغانستان که به تازگی ایجاد شده بود بخاطر اولین مسابقات خود آماده سفر به پاکستان بود. رئیس میخواست عضو این تیم باشد.

رئیس می گوید '' آن زمان وقتی از مرز گذشتم و شرایط کشورم را دیدم خیلی ناراحت شدم، زیرا نه تأسیسات و نه جاده ی وجود داشت، و از اینکه میدیدم افغانستان این قدر از جهانیان عقب مانده به شدت ناراحت بودم. یک ماه را در کابل سپری کردم. در آن زمان امکانات مخابراتی در افغانستان وجود نداشت و مادرم بخاطر اینکه نمی توانستم با او ارتباط بگیرم خیلی نگران بود و حتی فکر کرده بود که من مرده ام.''

به تعداد ۲۴ بازیکن به شهر کراچی سفر کرده بودند تا در مسابقات تاریخی پاکستان اشتراک کنند. از جمله این ۲۴ بازیکن، پنج تن شان هنوز هم بازیکنان کلیدی تیم ملی اند، نوروز منگل (کپتان) رئیس احمدزی، دولت احمدزی، محمد نبی و کریم صدیق.

بعد از پایان این مسابقات که بدبختانه تیم افغانستان در آن باخت، تصمیم گرفتند تا افغانها را به یکی از ملت های کریکت باز تبدیل کنیم. به همین خاطر با هم یکجا شدند و اولین فدارسیون و اولین تیم کریکت افغانستان را ساختند. هرچند تا آن زمان امکاناتی وجود نداشت، اما در سال ۲۰۰۴ به افغانستان فرصت اشتراک در مسابقات آسیایی کریکت در کشور مالیزیا داده شد.

رئیس آن زمان را به یاد می آورد و میگوید '' وقتی در مسابقه با بحرین

پیروز شدیم حس کردیم که اگر چنین چیزی ممکن است پس هر نوع پیروزی برای ما دست یافتنی است و درک کردیم که با تلاش جدی میتوانیم به مقام های برتری برسیم و به همین خاطر بازی کریکت را با جدیت بیشتری دنبال نمودیم.''

وقتی افغانستان تازه به بازی کریکت آغاز کرده بود، در میان ۱۱۶ کشور در ردیف ۸۷ قرار داشت اما حالا در جهان در رده دوازدهم قرار دارد. برای کشوری که حتی یک باشگاه مناسب کریکت هم ندارد این موفقیت بسیار خوبی به شمار میرود.

افغانستان از طریق مسابقات بین المللی کریکت با سرعت نور رشد نمود و در ماه می ۲۰۰۸ تیم افغانستان به جزیره جرسی سفر نمود تا در پنجمین گروه یعنی پائین ترین گروه کریکت مسابقه دهد. افغانستان در آن مسابقات مقام اول را بدست آورد و با اجرای اتن این پیروزی را جشن گرفتند. پنج ماه بعد یعنی در اکتوبر ۲۰۰۸ این تیم به شهر درالسلام تانزانیا سفر نمود و با بازی در گروه چهارم مسابقات جهانی کریکت، مقام اول را بدست آورد. در آن زمان وزارت حج از پیروزی آنها بسیار شگفت زده شده بود و تیم کریکت افغانستان یک سفر حج عمره را در دسمبر ۲۰۰۸ بصورت افتخاری بدست آورد. این سفر تیم را برای دور بعدی مسابقات که در ماه جنوری ۲۰۰۹ در کشور آرجانتین برگزار شد خوب آماده ساخت. تیم برای رسیدن به شهر بوینس آیرس چهار روز در راه بود، اما خستگی سفر با پیروزی مقام اول از خاطر شان محو شد و این کشور توانست به رقابت های مقدماتی جام جهانی که در ماه اپریل ۲۰۰۹ در افریقای جنوبی برگزار شد دست یابد.

افغانستان اولین تیم کریکت بود که در مدت بسیار کوتاهی از گروه ۵ به منتخبین جام جهانی رسید. به راستی که تیم کریکت افغانستان تاریخی از خود به جا گذاشت. اما در افریقای جنوبی روپای رسیدن به جام جهانی از دست رفت. زیرا بازی این تیم در این مسابقات به اندازه کافی قوی نبود و فقط توانست تیم های سکاتلند و ایرلند را در دور اول ببرد و هنوز نتوانسته بود یکی از چهار مقام برتر را بدست بیارد تا بتواند به مسابقات جهانی سال ۲۰۱۱ راه پیدا کند. اما بازی شان به قدر کافی خوب بود تا بتواند مقام یک روز بین المللی را بدست بیارد. این مقام به معنی این است که این تیم میتواند یک روز در بازی های سه روزه با تیم های کینیا، ایرلند، سکاتلند و کانادا بازی کند. همچنین به معنی این است که به تیم افغانستان فرصت داده شد تا در مسابقات ۲۰ تیم برتر جام جهانی بازی کند که در ماه فبروری ۲۰۱۰ برگزار شد.

این بار افغانستان بسیار خوب درخشید. بازی در دور مسابقات ۲۰ تیم برتر جام جهانی در شهرک ورزشی دوبی با حضور ۱۰ هزار تماشاگر افغانی به این تیم قوت کافی بخشید تا در مسابقات مقام اول را کسب کند. این پیروزی همانند مرحمی بود بر زخم ناکامی برای رفتن به جام جهانی ۲۰۱۱ میلادی.

پیروزی این تیم در دوبی به معنی این بود که بلاخره میتواند در یک مسابقه جهانی که در سراسر دنیا پخش میشود، اشتراک کند. سفر به غرب هند برای همه اعضای تیم به واقعیت پیوستن رویای شان بود و پاداش خوبی برای تلاش خسته ناپذیر و طولانی شان. هر چند باز در برابر هند و افریقای جنوبی به شکست مواجه شد، اما تیم با این اقدام خود نشان داد که خواهان پیروزی بیشتر است. گزارشگران بازی کریکت از سراسر دنیا تیم افغانستان را تشویق کردند و این واقعیتی بود که میتوان شکست را با سر بلند تحمل کرد.

طی دو سال گذشته این تیم راه درازی را طی نمود. حالا با پرواز های درجه یک سفر میکنند، در حالیکه دو سال قبل بعضی از اعضای تیم حتی سوار طیاره نشده بودند. در طول سفر از طریق فیس بوک و سکایپ همیشه با خانواده ها و دوستان خود در تماس بودند. اخیراً در یک اعلان تجارتی بسیار جالب به کارگردانی بالیوود برای شبکه مخابراتی اتصلات اشتراک کردند که این اعلان تجارتی در جریان جام جهانی در افغانستان پخش میشود. شرکت های بزرگی مانند شرکت هوانوردی صافی آماده قرارداد با آنها هستند.

این تیم خیلی مشتاق است تا دستآوردی به کشور خود داشته باشد. اکثر اعضای تیم حالا با یک موسسه غیر دولتی کریکت بنام سازمان حمایت از کریکت بازان جوان افغانستان کار میکنند. همکاری با MCC و ارتباط افغانی کمپ های کریکت را در سراسر کشور برای نوجوانان ایجاد می کند.

کپتان نوروز منگل اخیراً یک سازمان حمایت از کریکت بازان جوان را در شهر خوست افغانستان ایجاد نمود. نوروز می گوید '' خیلی از نوجوانان می خواهند برای افغانستان کریکت بازی کنند و آرزو دارند تا روزی مثل بازیکنان تیم ملی کشور باشند. وقتی مسابقات را در شهر خوست برگزار کردم، ما فقط برای اشتراک تنها ۵۰ کودک پول داشتیم، اما این تعداد به ۱۲ هزار کودک رسید و برای ما خیلی جالب و حیران کننده بود''.

این تیم یک سایت انترنتی بنام افتخار دارم افغان باشم (www.proudtobeanafghan.com) ایجاد کرده است. اعضای تیم ملی کریکت می خواهند تا در روستا های اجدادی شان مکتب کریکت ایجاد کنند و امیدوارند و خواهان فروش پیراهن و دنده های امضاء شده، کلاه، تصاویر و پوستر خود هستند تا بتوانند منابع مالی خود را تقویت کنند.

برخاسته از خاکستر نام فلم مستندی از ماجرا و سفر آنهاست که خزان امسال از طریق بی بی سی نشر میشود.

نوشته لیزلی نوت

میدان نبرد تازه افغانستان: چگونه ورزش دشمنان دیروز و معلولین را با هم یکجا میسازد

فردوس در زمان حکومت نجیب الله یعنی در اواخر ۱۹۸۰ یک سرباز بود، اما ملک رنگا یک جنگجوی جهادی و دشمن سوگند خورده دولت آن زمان بود.

با اینکه هر دو پشتون و از ولایت ننگرهار بودند، اما به دستور فرماندهان خود در برابر همدیگر می جنگیدند و در نتیجه فردوس پای چپ و رنگا هم قسمت راست بدن خود را از دست دادند.

بعد از دو دهه در یک بعد از ظهر تابستانی هر دو جنگجو با پا های مصنوعی دوباره رو در روی هم ایستادند، اما جنگ این بار برای نابودی یکدیگر نبود. دو دشمن دیرینه این بار در یک میدان خاکی و گل آلود شهر جلال آباد رو در روی هم در نبرد فوتبال ایستاده بودند.

تنها عاملی که باعث رویارویی این دو مرد معلول در آوان ۴۰ سالگی شان شد، معلولیت و ورزش بود.

فردوس با آرزوی فراموش کردن گذشته می گوید '' ورزش شما را از نظر جسمی و روانی سالم نگهداشته و کمک میکند تا حس برادری را در برابر رقبای خود تقویت کنید''.

اما تا حال هیچ چیزی نتوانسته خاطرات گذشته او را نابود سازد. او می گوید '' در میدان جنگ در شهر جلال آباد بودم که ناگهان روی یک ماین پای گذاشتم''. در ادامه توضیح داد که چگونه پای خود را از دست داد و با قطع شدن پای چپ اش وظیفه نظامی خود را از دست داد و بعد شغل آزاد را پیشه کرد.

فردوس که پدر دو پسر و یک دختر است، می گوید بعد از دیدن برنامه های ورزشی معلولین در تلویزیون های کشور های غربی علاقه خود را به ورزش زیاد کرده و گاهگاهی پهلوانی هم میکند.

از اینکه طی سه ماه ۱۵ کیلو وزن خود را از دست داده خوشحال است، زیرا در آن زمان ۱۰۵ کیلو وزن داشت.

فردوس و رنگا در میان ۲۳ معلول دیگر قرار دارند که هر روزه بخاطر حمایت همدیگر و سرگرمی از اتحادیه ملی معلولین در جلال آباد دیدن میکنند. این مرکز تا حال امکانات رهایشی را برای ۱۵ معلول فراهم نموده است.

اتحادیه ملی معلولین توانسته برای رنگا در ریاست امور اجتماعی کار پیدا

کند و فردوس هم پیشه مسافر کشی توسط موتر را اشغال نموده است. هر روز همدیگر را در دفتر اتحادیه ملی معلولین که داخل ساختمان ریاست شهدا و معلولین قرار دارد، می بینند. در داخل این محوطه یک مکتب با ظرفیت ۷۴۰ کودک برای یتیمان وجود دارد.

مسعود صافی رئیس اتحادیه ملی معلولین میگوید که از میان چهار هزار معلول ثبت شده در ننگرهار، اتحادیه آنها توانسته برای ۵۰۰ تن شان کار پیدا کند. صافی که خود هم یک پا را از دست داده است می گوید، ''شاید معلولین یک پا یا یک دست خود را از دست داده باشند، اما چیزی که در درون آنها زنده است، امید به آینده کشور و ورزش است که تا حدی بخاطر ایجاد این گونه امید باید مورد حمایت قرار گیرد''.

صافی در ادامه می گوید '' همه این افراد در زمان جنگ های داخلی و بیشتر در زمان حکومت نجیب الله و بعد از آن یعنی در زمان جنگ میان گروه های جهادی معلول شده اند و ما حتی چندین جنگجوی قبلی طالب را هم نزد خود ثبت نموده ایم. تا حال حدود ۵۵۰۰ معلول از سه ولایت شرقی: کنر (۲۰۰ معلول)، لغمان (۲۰۰۰ معلول) و نورستان (۱۵۰۰ معلول) در این مرکز ثبت و راجستر شده اند.

صمیم که ادعا میکند یکی از بهترین بازیکنان تیم ملی کریکت افغانستان خواهد شد با تأکید بر اینکه آینده افغانستان را در ورزش می بیند و نه در مرمی تفنگ می گوید ''بعضی ها میگویند که این کار را نمی توانم، زیرا معلول هستم. اما من به آنها نشان میدهم که هر کار را میتوانم''.

با اشاره به رشد سریع افغانستان در جهان کریکت، این مرد که حالا پدر شش فرزند است میگوید چنان شیفته کریکت شده است که آروز دارد روزی خود را در میان کریکت ببیند.

صمیم که تازه از بازی فوتبال و والیبال با دیگر دوستان معلول خود بازگشته بود، گفت: '' ورزش باعث رشد همبستگی و هماهنگی اجتماعی میشود''. او نتوانسته بود به علت بارندگی شب گذشته و گل ولای در میدان کریکت بازی کند.

بهترین سرگرمی این مرد ها والیبال، فوتبال و کریکت است. بطور اوسط هر یک از آنها روزانه سه ساعت وقت خود را با بازی در میدان خاکی داخل محوطه اتحادیه سپری میکنند.

اما چرا باید ورزش کرد؟ صمیم که دیگران را گلدوزی یاد میدهد در پاسخ میگوید '' بخاطر اینکه برای سلامتی جسمی و روانی خوب است و نمی گذارد تا جوانان به مواد مخدر و سگرت معتاد شوند''.

حیات خان مدیر بخش ورزش اتحادیه ملی معلولین در جلال آباد خوشحال است که دوستان معلول اش توانستند یک تیمی از مسئولین و کارکنان هشت سفارت خارجی، کارکنان وزارت دفاع را در ماه مارچ در کابل شکست دهند.

خان که ۳۹ سال سن دارد در گذشته یک جهادی بود و در سال ۱۹۸۸ حین حمله به یک پوسته دولتی در ولسوالی چپرهار پای راست خود را از دست داد. او می گوید '' اکثر اوقات خود را صرف ایجاد تیم های ورزشی و جمع آوری کمک میکنم. همچنین تیم ها را برای اشتراک در رقابت ها بخصوص در کابل انتخاب نموده ام.'' در ادامه گفت تیم اش سال گذشته در مسابقات والیبال توانست تیم های معلولین مزارشریف، لوگر و کابل را شکست دهد.

اما مشکل عمده این است که دولت به غیر از معاش اندک به مبلغ ۶۰۰ افغانی یا ۱۲ دالر در ماه برای هر معلول دیگر هیچ کمکی نمی کند.

دکتور نادرشاه ۴۵ ساله که یک قهرمان ورزش در افغانستان است و بین سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ قبل از رسیدن به نیویارک طی مدت یک سال و شش روز دور دنیا را گشته می گوید؛ ''ورزش برای معلولینی که گذشته تلخ دارند بسیار موثر می باشد. زیرا میتواند فشار را کاهش داده و مصئونیت در برابر بیماری را بالا میبرد''.

دکتور شاه که زاده ولسوالی سرخ رود است می گوید معلولین مانند افراد سالم توانایی یکسان دارد. '' من معلولین زیادی را دیده ام که در مسابقات جهانی اشتراک نموده و مدال های زیادی را بدست آورده اند. این داکتر دندان خود را آماده یک سفر دیگر جهانی با پیام صلح می سازد.

تهیه شده توسط تیلاک پوکهارل و شفیق الله واک، یوناما

تاریخچه ی بازی بزکشی

بزکشی که به معنی چنگ زدن و کشیدن بز میباشد، از جمله بازی های ماجراجویانه جهان محسوب میگردد. در دهه های اخیر این بازی به یکی از ورزش های سمبولیک افغانستان مبدل گردیده است؛ تصاویر بازی بزکشی در تکت های پستی، تابلو های هوتل ها و پوش تکت خطوط هوایی آریانا قابل دید میباشد. یک دیوار در وزارت اطلاعات و فرهنگ به تصاویر فرمان روایان معروف کشور تخصیص داده شده در حالیکه در دیوار دیگر تصاویر بزرگی از بازی بزکشی ترسیم گردیده است.

بازی بزکشی که از شمال هندوکش منشأ گرفته است میراث از فرهنگ اسب سواری کوچی های مغل و ترک اعم از ترکمن ها، ازبک ها، قزاق ها و قرغز ها میباشد. مسکن گزینی و تجمع این گروه ها در کشور های آسیای مرکزی بزکشی را به یک بازی خسته کن مبدل ساخته است. از سال های ۱۹۲۰ به بعد افغانستان اخیرین خانه و محل بزکشی بوده است که برای قرن ها در اینجا بازی های آن برگزار میگردد. اگر بین ماه های نومبر و مارچ شما خوش شانس باشید و در یکی از روستاهای شمال افغانستان زندگی داشته باشید، به یکی از بازی های قدیمی برخورد خواهید نمود. بازی های عنعنوی بزکشی ''توده برای'' فاقد تیم، یونیفورم، سرحد و قوانین تحریری میباشد. هدف این بازی ساده ولی رسیدن به آن مشکل میباشد: هر سوار کار سعی میکند تا نعش حیوان (بز بدون سر و سم) را از زمین بردارد و به محلی دور از دیگران انتقال دهد.

امکان دارد صد ها سوار کار موجود باشد. بز میتواند تا چهل کیلو وزن داشته باشد. مشاجره بعضاً موجود میباشد: اینکه ''فارغ'' بمعنی به چه اندازه فارغ و ''دور'' به چه اندازه دور بوده و کی باید تصمیم گیرد؟ با توجه به خشونت ذاتی این بازی، منازعات با طبیعت مدارا میتواند به زودی به زد و خورد های خونین مبدل گردد. آنجاست که اصول عمده بزکشی مطرح میگردد.

بزکشی همیشه توجه سوار کار شایسته را طور جدی بخود مبذول میدارد، سوارکار بزکشی چاپ انداز گفته میشود که توسط کلاه پشمی اش و در این اواخر توسط کلاه تانکیست تانک های روسی قابل شناخت میباشد. در حقیقت اشخاص عمده در این بازی مسن بوده و افراد شناخته شده هستند که ''خان'' نامیده میشوند و مالک اسب ها بوده و سوارکاران را استخدام و بازی ها را میزبانی مینمایند. خان ها (که در حال حاضر با قومندانان ملیشه جاگزین گردیده اند) افراد بزرگ صفحات شمال افغانستان میباشند، که بر مسایل زمین، آب، مواشی، مناطق تجارتی شهری و سایر منابع کم یافت حاکم میباشند.

بزکشی – خصوصاً منازعات و زد و خورد های آن – زمینه نمایش قدرت این خان ها را مساعد مینماید. خانی که بتواند بزکشی بدون مشاجره و نزاع را راه اندازی نماید – یا بتواند بزکشی را که به نزاع انجامیده آرام سازد شهرت سیاسی زیادی بدست میآورد.

در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۳ حکومت افغانستان یک تورنمنت ملی را در کابل بمناسبت سالگرد بابای ملت محمد ظاهر شاه راه اندازی نمود. به ابتکار صدر اعظم وقت محمد داؤد، یک شکل جدید بزکشی ''قره جای'' توسط کمیته ملی المپیک افغانستان تنظیم گردید: تیم های (۱۰ یا ۱۲ نفری در هرطرف)، یونیفورم (با افزایش تعداد ولایات نیز افزایش یافته است)، سرحدات و علامت گذاری (دایره ها و بیرق های که دور مکمل و موفقانه بدور آن باعث بلند رفتن پاینت یا نمره میگردد)، و یک قاعده نامه که توسط داور های مسلح تطبیق میگردد. کنترول این شکل جدید برای گرداننده ای بازی نهایت سهل تر است. خوانین بطور افتضاح آمیز کنار رانده شدند و بازی کنان که به فیصله های حکم مخالفت مینمودند برای مدت کوتاهی حبس میگردیدند. درحالیکه هنوز در قالب یک بازی قرار داشت، بزکشی نمایشی در برجسته ساختن رئیس کشور در نقش گرداننده ملی گردیده بود. در ابتدأ سفر از هندوکش به کابل توسط اسب صورت میگرفت و همه خصوصیات ماجراجویانه را در خود داشت. زیبایی های این سال های قبل – پیش از آنکه کوتل سالنگ احداث گردد – طور شگفت آور در داستان حماسی جوزف کیسل سال ۱۹۶۷ ''لیس شیوالیرز'' تذکر داده شده است که یک سال بعد به زبان انگلیسی ''هارس مین'' یا اسب سواران ترجمه گردید. در سال ۱۹۷۱ کمپنی فلم سازی کلمبیا پکچرز فلمی را با بازیگری عمر شریف، جک پالنس و لی تایلریانگ تهیه نمود که وی توسط نشریه لاس انجلس تایمز ''منحیث زیبا ترین کوچی'' شناخته شد.

تورنمنت سالانه کابل همچنان شامل برنامه ساختار ملی و مرکزیت نیز گردیده است. بازی کنان که در جنوب کوه های هندوکش قرار داشتند به یک فستیوال ۲ هفته ای به کابل آورده شدند: درمسیر راه در یک چایخانه ولایتی توقف نمودند، با چشمان نظاره گر ''شهر پادشاه'' را مینگریستند و توسط مأمورین ملبس با یونیفورم غربی مانند در اطراف شهر رهنمایی میگردیدند، و به کلاه های خویش با احساس قرار داشتن در تحت کنترول حکومت باز گشتند.

آن کنترول البته بعد از سال های ۱۹۷۸ از هم پاشید، ولی بزکشی از همه رژیم ها زنده بدر آمد: روس ها (هراس داشتند که این بازی تمثیل از بسماچی اسب سواری سال های ۱۹۲۰ میباشد)، مجاهدین (این بازی را دوست داشتند و در دوران جهاد نیز این بازی را ادامه میدادند) و طالبان (که در ابتدأ بازی را منع قرار دادند و بعد تر تا اندازه تحت تأثیر هیجان آن رفته بودند).

درسال ۲۰۱۰ عین مهارت های اسب سواری و تحرکات سیاسی در کار میباشد. در بازی های بزکشی میتوان این هر دو را سراغ نمود. سوار کاران برنده کی ها اند؟ خیلی مهم

اینکه: اسب های کی را سواری می نمایند؟ و مهم ترین همه اینکه: چه کسی بازی بزکشی را راه اندازی و میزبانی مینماید و به چه خوبی آنرا کنترول مینماید؟ این ها موضوعات پایدار بازی خود افغانستان ''بازی بزرگ'' میباشند.

ولی زمان در گذر است. سوار کاران برنده زمانی چپن، دستار، تفنگ، قالینچه، قالین و حتی اسب های خوب به جایزه میبردند. در سال های ۱۹۷۰ بیشتر جوایز نقدی را پول افغانی تشکیل میداد. درحال حاضر دالر امریکایی حاکم میباشد ولی نه درهمه جا. تلویزیون، دی وی دی در بزکشی های نوروز در مزارشریف نیز جوایز را تشکیل میدهد. حد اقل یک کمپنی مخابراتی در افغانستان بعضی از بازی ها را در کابل ضمانت پولی نموده است- که در آن جوایز را تیلفون های همراه تشکیل میداد. یکی از چاپنداز که بی صبرانه انتظار رفتن به خانه را داشت، بسته تیلفون خویش را که بطور جایزه گرفته بود باز نموده، و اولین تماس را با فامیل خویش درحالیکه بالای اسب اش سوار بود برقرار نمود.

سنت تورنمنت ملی که در طی سه دهه انکشاف نموده در اوایل سال های ۱۹۸۰ به تعلیق درآمد. رژیم های متوالی مارکسیستی قادر به کنترول اوضاع بیرون از کابل نبودند. در ولایات جامعه دهاتی بزکشی همه در مقاومت ضد شوروی شرکت نموده و از آن حمایت مینمودند. حالا یک نسل بعد حکومت فعلی با وجود توجه شخصی قابل ملاحظه معاون رئیس جمهور، آقای فهیم اولویت های دیگری دارد.

و هنوز هم باوجودیکه به شوکت روز های برگزاری آن در غازی استدیوم نمیرسد، بزکشی اکثراً روز های جمعه بعد از ظهر در زمستان در شهر کابل برگزار میگردد. قبل از روز برگزاری آن شام های پنجشنبه از طریق رادیو اعلان میگردد و در مکان های مختلف میزبانی میگردند. کلپ اسبق نظامی در عقب مقر آیساف، ساحه باز در پائین بالاحصار و در منطقه قصبه در شمال کابل از جمله محلات برگزاری بزکشی میباشند. بعضی از مالکین اسب ها را برخلاف خان های سابق حالا تجار بزرگ شهر تشکیل میدهند. بسیاری از سوار کاران کابل به بازی بزکشی جدید میباشند ولی آنان زود میآموزند. از تماشا چیان پذیرش باز صورت میگیرد.

ځوان افغان لوبغاړي موږ ته د دې الهام راکوي، چې د سولې لپاره کار وکړو

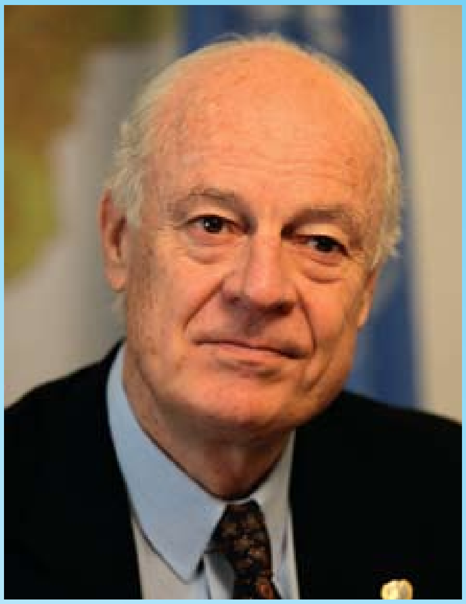

ستفان دي میستورا

د افغانستان لپاره د ملګرو ملتونو د سرمنشي ځانګړی استازی

ځوان وګړی د افغانستان راتلونکې ده. د دې لپاره چې د یو سوله ییز او سوکاله هیواد د جوړولو لپاره هغوی مخکښه رول ولوبوی ځوان افغان د زده کړې او ودې امکاناتو ته اړتیا لری څو چې یو بل د قومی، جغرافیایی، جنسیت او پر نورو ټولنیزو ډلو د ویش څخه پرته وپیژنی.

ورزش ډیره غوره او په زړه پورې لار ده، څو چې ځوان افغانان سره په دغه هڅو کې را یو ځای کړو. ورزش ځوانانو ته د دې امکانات برابروی چې د ګډ هدف لپاره سره یو ځای په یو ټیم کې کار وکړی، څو خپل تلاش، هوډ او حوصله و ازمایی او خپل مهارتونه پورته کړی چې شخصی او د ټیم خوبونه رښتیا کړی. ورزش روغمنو ارزښتونو لکه دسپلین همکاری او ژمنې ته وده ورکوی.

د افغان اپډیټ دغه ګڼه هغه ځوان افغانان راجوتوی چې د دې هوډ او هیله لری څو د ورزش د امکاناتو څخه خوند واخلی. که دا انفرادی ورزش لکه تکواندو او سکیټ بورډینګ دی او یا هم ډله ییز ورزش لکه کریکټ او فوټبال، افغانې نجونې او هلکان، ځوانې ښځې او نارینه د ټول هیواد په کچه هره ورځ ورزش کوی. د هغه فشار او تشنج سره سره چې ډیرې ټولنې ورسره د افغانستان د نه حل شوې لانجې په دې مهال په افغانستان کې مخ دی، ځوان افغانان په دې ګڼه کې د خپلو کیسو د لارې د هغه خوند اهمیت را په یادوی چې زموږ په ژوندانه کې دی.

د هغوی په خنداګانو، هغه ملاتړ چې دوی یې د ټیم د غړو لپاره او هغه درناوی چې دوی یې د لوبې د حریفانو او سیالانو لپاره لری دې کې موږ هغه بنسټونه ګورو چې د افغانستان په نوی نسل کې د سولې لپاره رامنځته کیږی.

سږ کال د سولې نړیواله ورځ یوازې یوه میاشت د ځوانانو د نړیوال کال د مناسبت د پیل څخه وروسته راغله. په افغانستان کې ملګری ملتونه په ډیرو او بیلا بیلو لارو سره فعالیت کوی، څو د دې هیواد د ځوان نسل لپاره د ښه ژوند د ودې امکانات برابر کړی. د روان کال د اکتوبر په میاشت کې ۱۰۰ نجونو او ۲۰۰ هلکانو په جلال اباد کې د کریکټ د روزنې په کمپ کې درې ورځې تیرې کړی څو چې د ځوانانو د نړیوال کال لمانځنه وکړی. د یونیسف له خوا د ملاتړ شوی کمپ موضوع ''ډیالوګ او متقابل تفاهم'' وو چې څرنګه ورزش زغم او د منلو احساس هڅوی او همدارنګه د ځوان نسل فزیکی، اخلاقی او ټولنیزې پرمختیا په لار کې ونډه لری.

ډیالوګ او متقابل تفاهم د ځوانانو د نړیوال کال موضوع ده- چې د هیواد په کچه په ټولنو کې د ورزش کولو د لارې ځوان افغان نسل د دې سره مرسته کوی چې د خپل منځی او ټولنیزې همغږی او پیوستون بنسټونه جوړ کړی. تر هر څه وړاندې د ورزش د لارې ځوان افغانان د دې سره مرسته کوی څو پخپل هیواد کې سوله راولی.

د بزکشي ابتدايي پېژندنه

د افغانستان لرغونی لوبه اوس مهال د سیاسی لاسته راوړنو د تر لاسه کولو لپاره د ځواکمنو لخوا کارول کیږی.

وزلوبه په فارسی کې د سیرلی کښولو/لاسته راوړلو ته وایی، او دا لوبه د نړۍ په کچه تر ټولو وحشتناکه لوبه ده. په وروستیو لسزیزو کې دا لوبه د هیواد په ځانګړې لوبه اوښتې ده: د دې لوبې تذکر په پوستې ټکټونو، د هوټلونو په تابلوګانو او د اریانا افغان هوایی کرښی په ټکټونو کې شوی دی. د اطلاعاتو او کلتور د وزارت یو دیوال د هیواد د نامتو حکمرانانو انځورونو او بل دیوال یې د وزلوبی نقاشی ته ځانګړی شوی دی.

د وزلوبې اصلی ټاټوبی د هندوکش په شمال کې دی، وزلوبه د ترکانو–مغلو د آسونو د سپرلی او د دشتو د کوچیانو د د میراث: یعنی ترکمنو، ازبکو، قزاقو او قرغیزو استازیتوب کوی. په پخوانی شوروی اتحاد کې د دغو ډلو میشتدنې او راغونډنې د وزلوبی لوبه په یو ډول بې مانا تشریفاتو او مراسمو بدله کړه. او همدارنګه د ۱۹۲۰ کلونو راهیسې د افغانستان شمال برخه چې د پیړیو راهیسې دا لوبه په کې ترسره کیدله د وزلوبی یوازینی ټاټوبی پاتی شوی.

که چیرې تاسو طالع ولری او د نومبر او مارچ د میاشتو ترمنځ د هیواد په شمال کې و اوسی، نو تاسو ممکن د نړۍ د یوه لرغونې لوبې سره مخ او یا د دې لوبې له امله تر پښو لاندې شی. د وزلوبی په پخوانی بڼه (توده برای) کې ټیمونه یونیفورم، حدود او لیکلی قوانین نه لری. د تشریح یا بیان موخه یې ساده خو تر لاسه کول یې ستونزمن کار دی. په آس هر سپور کوښښ کوی چې هغه بې سره خوسکی له ځمکې پورته کړی او د هر چا څخه یې لری او په خپلواکه توګه خپل ځای ته ورسوی.

کیدای شی د دې لوبې لپاره ۱۰۰ تنه راغونډ شی. د خوسکی وزن ښایی نږدې ۴۰ کیلو وی. شخړې ډیرې پیښیدونکې دی: تر کومې اندازې ازاد یا خپلواک ته آزاد ویل کیږی او تر کومې اندازې روښانه ته روښانه ویل کیږی؟ او څوک باید پریکړه وکړی؟ د لوبې د اصل په پام کې نیولو سره، کیدای شی د بڼه ماهیت درلودونکې لوبې په خونړیو جګړو واوړی. دلته بیا د وزلوبی اصلی اصول سره په ټکر کې شی.

د وزلوبی په لوبه کې مخکښه لوبغاړی د چپنداز په نوم یادیږی او هغه د نوموړی د خولې څخه چې په اوس حال کې د پخوانی شوروی اتحاد د ټانګ خولې پر سر کوی، پیژندل کیږی. په حقیقت کې، کلیدی څیرې د زیات عمر درلودونکی یا زیات مخکښه کسان دی چاته چې د خانانو خطاب کیږی او د آسونو خاوندان دی، آس سواره په دندو ګماری او د لوبو کوربتوب کوی. د خانانو ځای ،اوس تر یوې اندازې د ملیشایی قومندانانو له خوا څخه څوک چې د هیواد په شمال کې زیات اتبار لری، او د ځمکې، اوبو، حیواناتو، ښاری سوداګریزو موقیعتونو او نورو ارزښت لرونکو سرچینو پر سر د ریښتنی مبارزې واک لری، نیول شوی دی.

وزلوبه ، په ځانګړی ډول، د دې لوبې شخړې او بحث او مباحثې، د خانانو لپاره د هغوی د قدرت د ښکاره کولو یو فرصت برابروی، خانان کولای شی د وزلوبی یوه سوله ییزه لوبه دایره کړې. او هم کولای شی د وزلوبی هغه لوبه چې په ارامه شخړه اوښتی وی کراره کړی، په دې کار سره هغوی سیاسی شهرت او اتبار تر لاسه کولای شی.

په لومړیو کې د هندوکش نه تر کابله سفر به د آسونو په واسطه ترسره کیده، دې کار په خپل ذات کې د یادولو د یوې پیښې خوند درلود. د سالنګ د غاښی د جوړیدو څخه وړاندې ددې لومړیو کلونو خوند په کال ۱۹۶۷ د جوزیف کاسیل په رزمی شعر/ناول Les Chevalers کې په اریانوونکی ډول کښل شوی چې بیا یو کال وروسته د Horseman یا د آس سپور په انځور کې په انګلیسی ژبه راڅرګند شو. په ۱۹۷۱ کې د کولمبیا فلم له خوا د عمر شریف، جاک پالانس او لی ټکی کرینګ په سینمایی نقشونو کې فلم خپور کړ چې د لاس انجلس ټایمز مجلې له خوا د تل پاته زړه کښوونکی کوچې په نوم ونومول شو.

افغان حکومت په ۱۹۵۳ کې د علیحضرت محمد ظاهر شاه د کلیزی لپاره په کابل کې د وزلوبی یو تورنمنت لارې ته اچولې وو. د لومړی وزیر محمد داود په نوښت د وزلوبی یوه نوې بڼه د افغانستان د ملی المپیک له خوا تنظیم شوې وه: ټیمونه (۱۰ یا ۱۲ ټیمونه په یو طرف کې) یونیفورمونه (د کلونو په اوږدو کې د شمالی ولایتونو په شمیر کې زیاتوالی راغلی)، حدود او نښې (دایرې او بیرغونه او د دې تر شاوخوا د خوسکی د تاوولو په نتیجه کې د لمبرونو د ډیروالی باعث وګرځید) او د لوبې قوانین د پوځی یا وسله والو ریفری یا دریم ګړو له خوا څخه پلې شول، د لوبې دغه نوی بڼه د لوبو د تمویل کوونکو لپاره د کنترول په موخه ډیره اسانه وه. د دې کار په نتیجه کې د خانانو اثر په کمیدو شو او په ورته ډول هغو لوبغاړو چې د دریم ګړی یا ریفری د پریکړې څخه انکار کاوه بندیان شول. اوس هم لکه د یوې لوبې په څیر، حکومتی وزلوبی د ملی تمویل کونکی په نقش کې د سیمې د مشر د انځور د وړاندې کولو هڅه کوی.

د کابل کلنی تورنمنټ همدارنګه د حکومت د ملی او مرکزی کولو په پروګرام کې انځور شوی وو. هغه لوبغاړی چې له دی نه مخکې هیڅکله هم د غرونو جنوب ته نه وه تللی، یوه دوه اونیز فیستیوال ته جلب شول: د لارې په اوږدو کې به د ولایتی چای ښبلو په ځایونو کې دریدل، په حیرانتیا سره به یې په وازو سترګو د پادشاه ښار ته کتل، د ښار شاوخوا د غربی رنګه مامورینو له خوا په بله بڼه اوښتی، او بیا به په شمال کې خپلو کوچینو کلیو ته د حکومت د شدید کنترول سره راستنیدل.

دا کنترول د ۱۹۷۸ څخه وروسته له منځه ولاړ خو وزلوبه د دا ډول ټولو تهدیدونو په وړاندې ژوندې پاتې شوه. پخوانی شوروی اتحاد (د ۱۹۲۰ لسزیزې د چټکو باسمچی آس سپورو د بیا ژوندی کیدنې څخه ویره درلوده)، مجاهدینو (د بزکشی سره مینه درلوده او د جهاد په دوران کې دې لوبې دوام درلود)، او طالبانو (په لومړیو کې دا لوبه بنده کړه او بیا وروسته تر یوې اندازې د دې لوبې په خوند پوه شول).

په ۲۰۱۰ کې د چټکو آس سپورو مهارتونه اوس هم د ورته سیاسی میکانیکی حرکتونو په خیر په خپل ځای دی. د وزلوبی په راتلونکې لوبه کې دې دواړو ته ځیر شی. څوک ګټونکی دی؟ د اهمیت وړ خو دا ده چې هغوی د چا آسونه ځغلوی؟ د پام وړ خو دا ده چې څوک د دې لوبو کوربه دی او څوک دا لوبې کنترولوی؟ دا د افغانستان د سترې لوبې بې ساری مسلې دی.

خو وخت تیریږی. ګټونکو آس ځغلونکو یو وخت چینې، پټکی، ټوپکونه او حتی ښه آسونه تر لاسه کول. په ۱۹۷۰ کې زیاتره مډالونه د نغدو پیسو، یعنې افغانیو په بڼه کې ورکیدل خو اوس امریکایی ډالر تر یوې اندازې ورکول کیږی. اوس په مزار شریف کې د نوروز په وزلوبه کې تلویزیونونه او ډی وی ډی ګانې ورکول کیږی. یوه افغان مخابراتی شرکت د کابل د لوبو د تمویل په موخه د انعام په حیث ګرځنده تیلفونه ویشلی. یوه ګټونکی چینداز چې ما ورسره د مخې اشنایی درلوده، کور ته د رسیدو انتظار ونه ایست او ګرځنده تیلفون یې د بکسی څخه راویست، په خپل آس سپور او خپل کورته یې لومړی تیلفون وکړ.

د ملی تورنمنټونو د دریو لسیزیو دود او دستور د ۱۹۸۰ لسیزې په لومړیو کې له منځه ولاړ. مارکیستی رژیمونه د کابل له ښار څخه د باندې د بزکشی د کنترول په برخه کې پاتې راغلی. د بزکشی ولایتی ټیمونو روزنې تر لاسه نه کړې او کلیوالې بزکشی په ټولیز ډول د شوروی اتحاد پر ضد په مقاومت کې ګډون او د هغه ملاتړ وکړ. دمګړی نږدې یو نسل وروسته،حکومت نور لومړیتوبونه لری.

د غازی لوبغاړی د لیدو کتو د ځای د ښو ورځو د نشتوالی سربیره، اوس هم د ژمې په موسم کې د غرمې نه وروسته په کابل کې د جمعې په ورځ کی دا لوبې ترسره کیږی. دغه لوبې د پنجشنبې په ماښام د راډیو له لارې اعلان کیږی او بیا په بیلا بیلو موقیعتونو لکه د ایساف د قومندانۍ تر شاه په زاړه پوځی کلب کې، د بالاحصار په پرانیستی میدان او د قصبې په شاوخوا لمنو کې ترسره کیږی. د شمال د خانانو ترڅنګ د ښار نامتو سوداګر د آسونو خاوندان دی. د کابل آس سپاره د وزلوبی سره ډیر بلد نه دی خو هغوی دا لوبه ژر زده کوی. کتونکو ته په نه بدلیدونکې توګه هر کلی ویل کیږی.

د ډاکټر ویټنې آزوی لیکنه

ډاکټر وینی آزوی د ۱۹۷۱ کال راهیسی په افغانستان کی د ساحوی انسان پیژندنی د علم د کار پوه،کډوالو د مرستو د چارو د کارکونکی، بیا رغونی د مشاور، پولیتیز کاندید خبریال او د نشنل جیوګرافی تلویزیون د فلم جوړونکی په حیث ښکیل دی. نوموړی پدی وروستیو کی په کابل کی د افغان مطالعاتو په امریکایی انستیتوت کی د مرکزی ریس او مشر څیړونکی شخص په حیث دنده اجرا کوی.

د افغانستان د مبارزې نوی ډګر

ځنګه ورزش پخواني دښمنان او معیوبین سره یو ځای کوي

فردوس د شوروی پلوه نجیب الله د جمهوری ریاست پرمهال د ۱۹۸۰ د لسیزې په وروستیو کې یو عسکر وو، په داسې حال کې چې مالک رنګه یو جهادی مشر او له همدې کبله د هغه مهال د دولت قسم خوړلی دښمن وو.

په داسې حال کې چې دواړه د افغانستان د ننګرهار ولایت پښتانه وو، هغوی یو د بل سره د خپلو قوماندانو په امر جنګیدل. په پای کې: ښاغلی فردوس خپله کیڼه پښه د لاسه ورکړه او ښاغلی رنګه خپله ښۍ پښه .

په تیر پسرلی کې د ماسپښین پر مهال د دوو لسیزو وروسته په داسې حال کې چې د هغوی په پرې شوو پښو باندې د دوی مصنوعی اندامونه نصب دی او لا تر اوسه هم یو د بل سره جنګیږی. خو دوی د دې لپاره سره اوس نه جنګیږی چې یو بل ختم کړی. دا ځل هغوی سره د فوټبال لپاره پر یوه خاورینه او ښوینده ځمکه باندې د جلال آباد په ښار کې چې د ننګرهار ولایت مرکز دی، د فوټبال لوبه ترسره کوی.

هغه دوه شیان چې دوی دواړه یې سره را یو ځای کړی دی هغه د دوی فزیکی معیوبتیا او سپورت دی. فردوس وایی: ”دا سړی په فزیکی او ذهنی لحاظ برابر ساتی او مرسته کوی چې د سیالانو تر منځ د ورورګلوۍ احساس ته وده ورکړی.“ نوموړی زیاتوی چې غواړی تیر هیر کړی.

که څه هم هیڅ شی نشته چې خپله خاطره هیره کړي. هغه وایی چې ځنګه یې خپله پښه د لاسه ورکړې ده: ”زه په جلال آباد کې په لومړۍ لیکه کې په جګړه کې ووم چې د یو ماین سره مخ شوم.“ وروسته د هغه کیڼه پښه پرې شوه، په پوځ کې یې خپله دنده د لاسه ورکړه او خپل کاروبار یې پیل کړ.

اوس مهال د دوو زامنو او دوو لوڼو د ویاړلی پلار په توګه ښاغلی فردوس وایی چې د لویدیزو هیوادونو د تلویزونی پروګرامونو په لیدلو سره چې معیوب وګړی د لوبو پر حالت کې ښکاره کوی، دې یې ورزش ته لیواله کړ. هغه همدارنګه وایی چې پهلوانی هم کوی.

هغه په دې خوښ دی چې په تیرو دریو میاشتو کې یې ۱۵ کیلو ګرامه وزن د لاسه ورکړی دی اوس د هغه وزن ۱۰۵ کیلو دی.

ښاغلی فردوس او رنګه د هغو ۲۳ کسانو ترمنځ دی چې د فزیکی معیوبتیا سره د معیوبینو ملی ټولنې (این یو ډی) ته چې د جلال آباد په ښار کې دفتر لری د یو بل سره د ملاتړ او تفریح لپاره ورځی. د دغه

ډول ۱۵ کسانو لپاره د هستوګنې ځای د دغې موسسې له خوا برابر شوی دی.

د معیوبینو ملی ټولنې د ټولنیزو چارو په ریاست کې د رنګه لپاره دنده پیدا کړې ده او ښاغلی فردوس د موټرو د کرایی کاروبار پرمخ بیایی. هره ورځ هغوی د ټولنیزو ، معیوبینو او شهیدانو د چارو په ریاست کې دننه سره ګوری چې هلته د ۷۴۰ یتیمو زده کوونکو لپاره یو ښوونځی هم جوړ شوی دی.

د این یو ډی یو تن ریس مسعود صافی وایی چې د ۴۰۰۰ ثبت شوو معیوبینو له ډلې څخه یې د ننګرهار په ولایت کې تر اوسه پورې د ۵۰۰ کسانو لپاره د کار زمینه برابره کړې ده.

ښاغلی صافی چې یوه پښه یې د لاسه ورکړې ده وایی چې معیوب کسان کیدلای شی چې پښې او لا سونه یې د لاسه ورکړی وی، خو یو شی چې دوی سره ژوندی ساتی هغه د هیواد د راتلونکی لپاره د هیلې درلودل دی او دا چې ورزش تر یوه بریده پورې دغه هیله او امید راژوندی کوی.

ښاغلی صافی وویل: ''نږدې ټول دغه کسان د داخلی جګړو پر مهال چې د نجیب الله د ځواکمنۍ پر مهال او وروسته، د جهادی تنظیمونو د جګړو پر وخت معیوب شوی دی، حتی ځینې پخوانی طالبان هم زموږ سره ثبت دی.'' نږدې ۵۵۰۰ کسان چې معیوبیت لری او د درې ختیځو ولایتونو کنړ (۲۰۰۰)، لغمان (۲۰۰۰) او نورستان (۱۵۰۰) څخه د معیوبینو د ملی اتحادیی سره ثبت شوی دی.

یو تن چې خورا هیله من و ۲۸ کلن دی هغه شفیق الله صمیم دی، چې هغه کینۍ مټ د هغه راکتی برید پر مهال له لاسه ورکړ چې په ۱۹۹۰ کې د نهه کلونو وو او د جلال آباد په ښار کې ښوونځی ته په لار روان وو.

صمیم چې د دې دعوه کوی چې د افغانستان د کرکټ د ملی ځواکمن ټیم د لوبغاړو څخه یو ښه لوبغاړی کیدلای شی زیاتوی چې د افغانستان راتلونکې په ورزشونو کې ده نه په مرمیو کې. د هغه د وینا له مخې: ''ځینې کسان وایی چې زه هیڅ نه شم کولای ځکه چې یو معیوب کس یم. خو زه هغوی ته دا جوتوم چې زه هر څه کولای شم.''

د کرکټ په نړیوالې سیالۍ کې د افغانستان بریاوو هغه دې ته دومره هڅولی دی چې د شپږو اولادونو د پلار په توګه غواړی ځان د ورزش په ډګر کې وګوری، حتی دا چې ۲۰ کلونه د لیکې څخه کښته دی.

ښاغلی صمیم یو ماسپښین مهال چې د معیوبو ملګرو سره یې د فوټبال او والیبال لوبې درلودې وویل: ''ورزش ټولنیز پیوستون او همغږی ته وده ورکوی.'' هغه نه شوه کولای چې د کرکټ لوبه وکړی ځکه چې چمن دغه سهار د باران وروسته په خټو کې او ښوینده وو.

د دغو کسانو ښه ساعت تیری د والیبال، فوټبال او کرکټ لوبې دی. په منځنی ډول د هغوی څخه هر یو یې په ختین چمن باندې د درې ساعتونو لپاره لوبې کوی .

خو ولې هغوی ورزش کوی؟ د صمیم له نظره چې همدارنګه د لاسی کارونو روزنه هم ورکوی: ''ځکه چې ورزش د فزیکی او ذهنی روغتیا لپاره ښه دی او دا ځوانان د دې څخه ژغوری چې په مخدره توکو او سګرټو باندې روږدی شی.''

په جلال آباد کې د معیوبینو د ملی اتحادیې د ورزش د څانګې مشر حیات خان په دې ډیر ویاړی چې د هغه د ټولنې معیوبو غړو وکړای شو تیر کال د مارچ په میاشت کې په کرکټ کې د آتوو بهرنیو هیوادونو د سفارتونو د افسرانو او کارکوونکو د افغانستان د دفاع د وزارت ټیم ته ماتې ورکړی.

ښاغلی حیات خان چې ۳۹ کلن دی یو جهادی جنګیالی دی چې په ۱۹۸۸ کې د ماین په چاودنه کې یې خپله ښی پښه هغه وخت له لاسه ورکړه چې د ننګرهار ولایت د چپرهار په ولسوالی کې یې د یوې دولتی پوستې د نیولو هڅه کوله، نوموړی وایی چې خپل زیات وخت د ورزشی ټیمونو د سازماندهی او د هغوی لپاره د مرستو په راټولولو باندی تیروی. نوموړی زیاتوی چې د هغه د موسسې ټیم وکړای شو چې تیر کال د والیبال په لوبه کې د مزارشریف، لوګر او کابل ټیمونو ته ماتې ورکړی. ''ما همدارنګه ټیمونه په دې ګومارلی چې زیات وخت په کابل کې په سیالیو کې ګډون وکړی.''

ښاغلی حیات خان وایی: ''اساسی ستونزه دا ده چې دولت زموږ سره هیڅ ملاتړ نه کوی پرته له دې چې شپږ سوه افغانی چې ۱۲ امریکایی ډالره کیږی په میاشت کې معیوب ته د (مدد معاش) په توګه ورکول کیږی بل ډول مرسته نشته.''

۴۵ کلن ډاکټر نادرشاه د افغانستان د ورزش اتل د یو کال او شپږو ورځو لپاره په ۲۰۰۲ او ۲۰۰۳ کې نیویارک ته د رسیدو تر مخه وویل چې ورزش د هغو کسانو لپاره چې ترخه تیر وختونه او معیوبتیا لری ډیر ګټور دی ځکه چې ''ورزش د دې سره مرسته کوی چې تاوتریخوالی راکم شی او د ناروغیو په وړاندې معافیت زیات شی.''

تیلک پوخاریل او شفیق الله واک (یوناما)

;ăčgĭ HuọŬl Ơ ĂPbĕï gÃbọŰčbŏ ùbgá Ơ ăčĤ ĞgĂ

ځوان افغانان سپورت ته لاس رسی پیدا کوی او د افغان ځوانانو او د خلکو په یو ځای کولو کې مرسته کوی. یو شمیر ځوانې نجونې د یوه نوې لوبې ګنبزه ډوله خونې په منځ کې ولاړې او د واحلی لارشوونو ته انتظار باسی. د دوی په زوره غږیدا د ګنبزې له دیوالونو څخه یوې او بلې خوا ته وځی ترڅو چې په ډیکو او پورې وهلو کې دوی له کڅوړې څخه د سک یټ تختې راوباسی، خولی په سروی او خپل لینګی په پټیو پټ کړی او د خپلې ښووونکې په شاوخوا راټولې شی. نجونې له تمرین سره بلدې دی او دومره په ډاډه زړه لوبې کوی چې د یوې لحظې لپاره له یاده وایستل شی چې دغه لوبې د نجونو لپاره په افغانستان کې څومره نوې دی.

دیارلس کلنه وهیله خپلو ځینو شاګردانو څخه کشره ده، وهیله پخوا د ښار په کوڅو کې ژاولې خرڅولې ترڅو چې اولیور پر کوویچ په ۲۰۰۷ کې له هغې سره ولیدل. اولیور له استرالیا څخه د

کار په لټه کې کابل ته راغلې و او بیایې په دې ترڅ کې د ښار د کوڅو د ماشومانو لپاره د سکیټ د لوبې په ښوولو پیل وکړ. وهیله دغه لوبه ډیر ژر زده کړه او مکرویان ته نږدې یې په خپله ساحه کې د ورځې څو ساعته تمرین کاوه. دا اوس د میاشتې ۶۰۰۰ افغانی (۱۵۰ ډالر) معاش اخلی او خپلو همزولو نجونو ته د سکیټ لوبې ورښیې. پرکوویچ د سکیټستان د غیر حکومتی موسسې له موسسینو (۲۰۰۸) څخه دی وایې: ''واحله د یخ د سکیټ د لوبې ستورې ده.''

''مګر په صنف کې، چیرې چې دې غیر رسمی تعلیم پیل کړی دا یوه عادی زده کوونکې ده او یو بل څوک د دې ښوونکې ده. دوی تر بل هر ښوونکې یو بل ډیر ښه درک کولای شی.''

د سکیټ لوبې د دې کار یو پیل دی. وهیله او نورې نجونې او هکلان، د دې په شان له ښوونځی څخه پاتې دی خو په هره هفته کې د قران کریم، دری او ریاضی درسونه تعقیبوی.

پرکوویچ وایې: ''سپورت د تعلیم د پیل کولو لپاره یوه ډیره اسانه لار ده. ځوانان که شتمن وی یا غریب، تعلیم یافته وی او که نه وی، دوی په همدغه طریقه په لوبو کې برخه اخلی. مونږ غواړو چې دغه طریقه تعقیب کړو او د هغوی تعلیم ته مخه شی.''

پر کوویچ چې ۲۵ تنه په خپل ګروپ کې لری او زیات یې په خپله خوښه کار کوی خپله غیر حکومتی موسسه د داسې یوه ځای په څیر وینی چې لوبې ځوانان په عملی ډول د سولې له تجربو سره مخامخ کوی. لوبې د ټولیدلو داسې یو ځای دی چې قومی، اجتماعی او نور توپیرونه له منځه وباسی او ځوانان سره راغونډوی، دوی یو بل ته غوږ نیسی، له یو بل سره خبرې کوی .

او له یو بل څخه څه زده کوی. د لوبو له لارې بیلا بیلې ډلې سره یو ځای کیږی او دغه یو ځای کیدنه په لوبو کې، د یخ د لوبو په میدان کې کیږی چې د کنفرانسونو د تالار له دیپلوماسی څخه ډیر لری واټن لری.

هره ورځ له ۳۰۰ څخه زیات ځوانان سکیټېستان ته د سکیټ د لوبې او نوور فعالیتونو لپاره راځی. سوفی فریدل، جرمنی ټرینر چې د سکیټېستان له ډلې سره یو کال د مخه یو ځای شوی وایی چې دا په دې موده کې د ځوانانو په منځ کې د بدلون شاهده ده په پیل کې.

شتمن او غرب هلکان له یو بل څخه بیل کښیناستل، او ډیرې لیږ به یې له یو بل سره خبرې کولې، مګر څو اونۍ وروسته دوی له یو بل سره خبری پیل کړی.

دا وایی ''یوه ورځ چې صنف لا نه و شروع شوی شتمنې نجونې راغلې او زه یې ښکل کړم. کله چې غریبې نجونې را ورسیدلې دوی یوه بله په مخونو ښکل کړې. دا ډیره د حیرانتیا وړ ده. زه یقین نه لرم چې دغه کار به په ټول کابل کې کیږی ښایی دوی په کورونو کې نور عادتونه ولری، مګر په دې ځای کې دوی لیږ تر لیږ په ازادانه ډول خپل احساسات څرګندولای شی.''

مقدسه په احتیاط سره د سرو روښانو مخروطې شکله علامو ترمنځ د سکیټ لوبه کوی او بیا راځی له نورو نجونو سره د دیوال په غاړه کښیني. د اووم ټولګی زده کوونکې یوه اونۍ مخکې تمرینونه شروع کړل او اوس ملګری لری. دا وایی: ''زه دلته له راتلو وروسته ډیره خوشحاله یم. زه له درس ویلو څخه وروسته غواړم چې نور هم د سکیټ لوبې په کوڅو، کور او ښوونځی کې کې وکړم. ما له خپل پلار څخه وغوښتل چې زما لپاره شخصی د سکیټ د لوبې سامان واخلی مګر هغه وایی چې پیسې نلری.''

فرحناز تېرکال د سکیټ لوبې وروسته له هغه پیل کړی چې ښوونکې دا په سکیټېستان کې شامله کړه. ددې مور او پلار له هغې سره مرسته کوی. دا وایی: ''زما کورنی ډیره خوشحاله ده چې زه تعلیم کوم او د فراغت په وخت کې دلته د سکیټ لوبې کوم. زه غواړم چې تر ټولو د مخه شم او وکولای شم چې د خپل ځان لپاره کار پیدا کړم او د سوفی په شان نورو نجونو ته د سکیټ لوبه ور زده کړم.''

د نجلی اعتماد ډیر څرګند دی، لکه فریدل چې وایی دوی اوس خپل نظریات او عقیدې څرګندوی. دا وایی: ''زه له دوی څخه ساده پوښتنې کوم لکه دا چې ته منې ډیرې خوښوی او که کیلې؟ په دې ډول دوی خپلې نظرېې وایی، څه شی چې خوښیږی او څه یې نه خوښیږی.'' او سکیټېستان ۳۱۵ زده کوونکې په دغه ډول لوبې پیل کوی. موږ له وهیله څخه وپوښتل ''څه ډول دی د سکیټ لوبې پیل کړی؟'' هغه یوه لحظه د ساکښلو لپاره ودریده او ''نه'' یې وویل او له نورو نجونو سره یو ځای شوه.

ǔơǫǒ ǟƎPgĚbP þǫƈ þǫƈ HƀǓǪþǒ Ơ ǜbǝţÅbLNǰb Ơ

gǖGżbGbP űbĔ żGR Gb ǜbgá Ơ ǜbǝţÅbLNǰb Ơ PĤ þǪź TRPG ĞgÅ Åþǃ gÅgƈgǝǫǖbǪþƈ Ơ ǙǫƤ ğǘǚ Ơ

دا د فولادی ډولونو نغارې وی، چې د افغانستان ملی سرود یې غړوو او زه یې ځان ته ځیر کړم. موږ د دوو کلونو لپاره د افغانستان د ټیم سره سفر وکړ او د هغوی فلمبرداری مو وکړه، موږ د افغانستان د ملی سرود نړۍ انګازې د بیو سیجور د کریکټ په لوبغالی کې چې په سینټ لوسیا کې دی د می په لومړۍ نېټه واوریدلې.

د هغو هڅوونکو سردستې چې په مخونو باندې یې رنګه رسمونه کښلي و او ورسره رنګه وزرې یې په خولیو کې وی په خندا او خوشحالۍ سره یې لیدونکو او ننداره چیانو ته د هغوی د توجه د راجلبولو لپاره د افغانستان بیرغونه ښورول. د افغانستان د کریکټ ټیم تاریخ جوړ اوه. د افغان د کریکټ د ټیم لپاره تبصره کوونکو د خپلو راډیو په صندوقونو د پاسه ځای نیولی و او دې ته چمتو و چې د سلام وطندار د راډیو د لارې په ژوندۍ بڼه افغانانو ته نشرات خپاره کړی. ډیری اوریدونکی په دې نه پوهیدل چې ویکیټ څه شی دی او لا تر اوسه هم پرې نه پوهیږی، خو د مۍ په لومړۍ نېټه څه پیښ شول پر هغه باید ټول افغانان و ویاړی. د افغانستان د کریکټ ټیم نړیوال ستیژ ته را ورسید تر څو چې له هندوستان سره په شل اوریزو نړیوالو سیالیو کې برخه واخلی.

د افغانستان د کریکټ ټیم نړیوال ستیژ ته راښکاره شو او د هیڅ کوم ځای څخه او هغوی چې پوهیږی نو د هغوی لپاره دغه تورنمنټ د مینې کار، سخت زیار او د یو اوږد سفر ښه پایله وه چې د یوې لسیزې په ترځ کې ترسره شو.

دغه کیسه د هالی ووډ څخه راپورته شوه: ځوان کډوال چې د کانکریټ په پیچونو (د کریکټ په میدان) کې پرته د بوټانو د کریکټ لوبې کولې، له لرګیو څخه یې د بیټونو کار اخیستلو او د توپ لپاره یې ټوټې سره راتاوولې، په پای کې ورته دا امکان په لاس ورغللو چې د کریکټ د اتلانو پر خلاف قدم واخلی، او تر ټولو مهمه دا چې هغوی ته دا چانس په لاس ورغی چې نړیوالیو ته دا وښایی چې افغانستان ډیر څه لری چې د جنګ او د ترهګرۍ د خبرونو پر ځای یې سرخط شی.

ریس احمدزی د منځنی حد بیټس مین او دافغان ټیم یو له وتلو او مشرو لوبغاړیوڅخه وایی: ''نړیوال فکر کوی چې افغانان یوازې په جنګ اخته دی. زه فکر کوم چې زموږ د کریکټ لوبغاړو نړۍ ته په ډاګه کړه چې موږ جګړې نه خوښوو. موږ سوله غواړو او له ټولې نړۍ سره د ښو اړیکو غوښتونکی یو. زه فکر کوم چې زموږ د کریکټ لوبغاړود خپل هیواد لپاره د سفیرانو په توګه ځانونه وښودل.''

ریس احمدزی چې په اصل کې د لوګر ولایت د ازرې له ولسوالۍ څخه دی، هغه د خپلې کورنۍ سره د افغانستان څخه د روسانو د اشغال پرمهال په ۱۹۷۰ کلونو کې کډوال شو. د یوه نیمه کوچی کورنۍ د غړو په توګه هغوی د کچه ګړۍ په پنډغالی کې میشته شول، چیرته چې رییس ستر شو او د لومړی ځل لپاره د کریکټ سره آشنا شو.

ریس دا در په یادوی چې: ''لا تر اوسه دغه ترانه زما په غوږونو کې ده چې کله پاکستان په ۱۹۹۲ کې نړیوال جام وګټلو او هغه غږیدله. کله چې موږ هلته دغه جشنونه ولیدل او خلکو د خوښۍ ډزې کولې، او خوشحالی یې احساسوله موږ هم وغوښتل چې د دغې لوبې په اړه ډیر څه زده کړو.''

د لومړی ځل لپاره رییس افغانستان ته د ۲۰۰۱ کال د ډسمبر په میاشت کې راغی. هغه بیا بیرته د کریکټ لپاره راغی. هغه دا واوریدل چې د افغانستان ټیم چې په کابل کې په کمزوری ډول جوړ شوی دی کیدای شی چې پاکستان ته د خپلې لومړنی نړیوالې لوبې لپاره ولاړ شی. ریس غوښتل چې په همدغه ټیم کې وی.

رییس دا ور په یادوی او وایی: ''په هغه وخت کې کله چې زه له سرحد څخه تیر شوم نو زه د افغانستان د حالاتو لپاره ډیر پریشانه وم. نه کومې اسانتیاوې وی، نه سړکونه و، هر سړی په اندیښنه او تشویش کې وو او زه ډیر خفه وم دا چې افغانستان د نورې نړۍ څخه ډیر وروسته پاتې شوی دی ،،.

دغه تاریخی تورنمنټ په پاکستان کې د ۲۴ تنو لوبغاړو له خوا چې کراچۍ ته یې سفر کړی وو ترسره شو. د دغو ۲۴ تنو لوبغاړو څخه پنځه یې همدا اوس د ملی ټیم کلیدی غړی نوروز منګل (کپټان) رییس احمدزی، دولت احمدزی ، محمد نبی او کریم صادق دی.

په پاکستان کې د دغه تورنمنټ وروسته چې د بده مرغه افغانستان هغه و بایللو، نو هغوی پریکړه وکړه چې افغانستان باید یو د کریکټ درلودونکی ملت وی. هغوی سره پریکړه وکړه چې د افغانستان د کریکټ په فدراسیون کې د یو منظم ټیم په توګه سره راټول شی. د دې سره سره چې هیڅ ډول اسانتیاوې نه وی، افغانستان ته د دې فرصت په لاس ورغی چې په ۲۰۰۴ کې د اسیایی کریکټ د شورا د ترافۍ یا د مډال لپاره په مالیزیا کې ګډون وکړی. په دغه تورنمنټ کې افغانانو بحرین ته ماتې ورکړه. دا لومړنی بری وو چې د افغانستان په کریکټ کې ثبت شو.

رییس ور په یا دوی چې: ''کله چې موږ د بحرین څخه لوبه وګټله نو موږ د دې احساس وکړ چې که دا ممکنه شوه نو هر شی امکان لری او فکر مو وکړ چې د سخت زیار سره موږ کولای شو چې ډیر څه تر لاسه کړو نو له همدغه ځایه موږ کریکټ ته په ډیر جدی توګه متوجه شولو.''

افغانستان د آی سی سی په ډویژنونو کې په ډیرې لږې چټکتیا او ورو، ورو راپورته شو. د ۲۰۰۸ کال په مۍ کې دغه ټیم د جرسی آلند ته سفر وکړ او هلته یې په ۵ ډویژن کې ګډون وکړ چې دا د سیالیو تر ټولو ټیټ ډویژن وو. افغان ټیم په دغه تورنمنټ کې د لومړنی مقام میډال تر لاسه کړ او د پیچ بر سر یې دغه بری په اتڼ سره ولمانځلو.

څلور میاشتې وروسته د ۲۰۰۸ په اکتوبر کې دغه ټیم د تانزانیا دارالسلام ته سفر وکړ او هلته ته یې د ای سی سی په څلورم ډویژن کې سیالی وکړې او هغه یې وګټلو.. د دې بریالیتوب له امله د حج او اوقافو وزارت په خوښی سره د ۲۰۰۸ د ډسمبر په میاشت کې د کریکټ د ټیم د لوبغاړو لپاره د حج د سفر تیاری وکړه.

دغه ټیم ډیر ژر د ۲۰۰۹ کال په جنوری کې د خو ورځو سفر په پایله کې د بوینس آیرس ښار ته ورسید څو په راتلونکې تورنمنت کې ګډون ولری ، خو دغه سفر په دې ارزیدلو څکه چې افغان ټیم د ارجنټاین څخه بیا د لومړنی مقام د میډال سره هیواد ته راستون شو او دا امکان یې تر لاسه کړ چې په جنوبی افریقا کې د ۲۰۰۹ د اپریل د میاشتې د نړیوال جام لپاره وړتیا تر لاسه کړی.

دافغانستان ټیم یوازینی لومړنی ټیم وو چې د پنځم ډویژن د لیکې څخه په ډیره لیږه موده کې د نړیوال جام وړتیا تر لاسه کړې. خو هغه وخت په جنوبی افریقا کې د ۲۰۱۱ کال د نړیوال جام لپاره د هغوی هیلې ماتې شوې. د هغوی بریالیتوبونه په لومړنیو سیالیو کې دومره په کافی اندازه قوي نه و خود دې سره هم هغوی داسې ټیمونو ته لکه د سکاټلند، آیرلیند ته په لومړنیو پړاوون کې ماتې ورکړه.. خو د هغوی لاس ته راوړنې بیا هم ډیرې ښې وې چې ورته د یوې نړیوالې ورځې لپاره ځای ورکړای شو چې دا په دې مانا ده چې هغوی کولای شی چې د یوې ورځې نړیوال دریځ خپل کړی او تر هرڅه وړاندې دا ډیره مهمه وه چې دغه ټیم ته ددې امکان ورکړل شو چې د ای سی سی د نړیوالې ۲۰ لپاره وړتیا تر لاسه کړی چې دغه سیالی د ۲۰۱۰ کال د فبرورۍ په میاست کې تر سره شوې..

دا مهال افغانانو دا وښودله چې د نه کلمه د ځواب لپاره ونه کاروی د دوبی د لوبو په ښار ګوټی کې د لوبو پر مهال چیرته چې ۱۰۰۰۰ افغان مینه وال ننداره چیان موجود و، افغانستان د دې وړتیا تر لاسه کړه او د آی سی سی د ۲۰ نړیوالو ټیمونو په منځ کې یې لومړنی مقام تر لاسه کړ. دا د هغه ټپ لپاره یو ملهم وو چې په ۲۰۱۱ کې د نړیوال جام د لوبو لپاره یې هیڅ مقام تر لاسه نه کړ.

په دوبی کې د بریو دا مانا وه چې هغوی اوس په نړیوالو سیالیو کې د نړیوالې کچې په سیالیو کې ګډون لری چې په نړیواله کچه د ټلویزیون د لارې ښودل کیږی. غرب الهند ته د ټیم د ډیرو لوبغاړو لپاره یو خوب وو چې ریښتیا شو.که څه هم دوه لوبې د هند او جنوبی افریقا په وړاندې د ماتې سره وې خو ټیم خپل ځان وښودلو.د کریکټ ژورنالستانو او مبصرینو د ټیم هلې ځلې وستایلې.

ټیم هم ډیر لیواله دی چې د افغانستان لپاره یو څه لاس ته راوړنه ولری. ډیری د ټیم غړی د یو انجو سره کار کوی چې د افغان ځوانانو د کریکټ د ملاتړ د سازمان (AYCSO) په نوم یادیږی. د ایم سی سی او افغانستان کنکشن سره د کارکولو د لارې AYCSO د هیواد په کچه د ځوانو هلکانو لپاره د کریکټ کمپونه دایر کړی دی. کپتان نوروز منګل دې نږدې وختونو کې د خوست په ښار کې په یو کمپ کې ګډون درلود . نوروز وایی: ،، ډیری ځوانان غواړی چې د کریکټ لوبه د افغانستان لپاره وکړی او هغوی غواړی چې د ملی ټیم د لوبغاړو په څیر وځلیږی.کله چې دې وروستیو وختونو کې ما په خوست کې کمپ درلود نو مونږ یواځې د ۵۰ ماشومانو لپاره پیسې درلودلې چې په کمپ کې ګډون ولری، خو ۱۲۰۰۰ ماشومانو مراجعه درلودله. دا ډیره عجیبه وه،،.

ټیم همدارنګه یوه ویب پاڼه لری چې www.proudtobeanafghan.com په نامه یادیږی. هغوی غواړی چې په هغو کلیو کې چې دوی ورڅخه راغلې دې ښوونځی جوړ کړی او غواړی هلته د ٬٬ویاړم چې یو افغان یم٬٬ د کریکټ جاکټونه او لاسلیک شوی بیټونه، خولې، انځورونه او پوسټرونه د پیسو د راټولولو لپاره وپلوری.

د لیسلی کنوټ لیکنه

لیسلی کنوټ په افغانستان کې د ۲۰۰۴ کال راهیسې اوسیدلې ده او ژورنالست په توګه یې کار کړی دی .دې وروستیو کې هغې د بی بی سی لپاره یو مستند فلم د ،، د ایرو څخه د باندې ،، تر عنوان د لاندې جوړ کړ چې په هغه کې د افغانستان د کریکټ د ټیم کرونولوژی او هلې ځلې ښودل شوی دی چې د نړیوال جام لپاره چمتو شوی دی.

Ǩſųǘå ğŏ gųǖbųʅ ȧĚ GơǞbgǗƎ Ơ ȍPgəʅ į ǞbǈǋǊ

په تیرو لسو کلونو کې افغانستان په پرله پسی توګه د ورزش په نړۍ کې راپیژندل کیږی ځکه چې د دی هیواد ورزشکاران خپل هیواد ته په لسګونو د سرو زرو مډالونه د طالبانو د سقوط را وروسته چې په ۲۰۰۱ کال کې یې صورت و موندلو، راوړی او د هغو ورزشونو په جمله کې چې په کې افغانستان شهرت تر لاسه کړ هغه د تکواندو ورزش دی چې د ځانی دفاع کوریایی جنګی هنر دی.

تکواندو د افغانستان ځوانانو ته د ۲۰۰۰ کال د سیدنی د المپیا څخه راوروسته د پام وړ وګرځیده چیرته چې دغه ورزش ډیر زیات نقش درلود.

اوس د ټول افغانستان په کچه ۲۷۰۰۰ د تکواندو لوبغاړی شته چې په ۲۰۰۱ کال کې یې شمیر ۳۰۰۰ تنو ته رسیدلو چې دغه شمیره یو کال د سیدنی د اولمپیا لوبو څخه وروسته وه. د افغانستان د تکواندو د ملی فدراسیون رییس ربانی وایی:؛زمونږ زیاتره لوبغاړی د ۱۵ کلنی څخه د لږ عمر کسان دی او دغه شمیره په چټکی سره زیاتیږی – تر ټولو د کوچنی عمر کسان د پنځو کلونو د عمر کسان دی؛.

په ۲۰۰۴ کال کې په قطر کې افغانستان د تکواندو په برخه کې په نړیواله کچه راڅرګند شو کله چې ښځینه تکواندو ستوری رویا زمانی د هیواد لپاره لومړنی د برونزو (د ژیړو) مډال د ۱۵ کلنو په آسیایی لوبو کې چې د تکواندو د سیالیو لپاره د منځنی وزن د ښځو تر منځ تر سره شوې، تر لاسه کړ.

دری کاله وروسته په ۲۰۰۷ کې نثار احمد بهاوی خپل هیواد ته د سپینو زرو مډال هغه وخت راوړ کله چې هغه به پیکنګ کې د نړی والې تکواندو د قهرمانی په سیالیو کې د روسیی، امریکې، کویټ، چین، لبنان او ایران لوبغاړو ته ماتی ورکړی.

او په ۲۰۰۸ کال کې د تکواندو په برخه کې افغانستان د نړی د اولمپیا په نقشه کې هغه وخت راووست کله چې ۲۲ کلن روح الله نیکپا د هیواد د اولمپیک د لوبو په ۷۳ کلن تاریخ کې په ۲۰۰۸ کال کې د پکنګ د اولمپیک په لوبو کې لومړنی مډال د افغانستان لپاره وګټلو. د نیکپا د اولمپیا مډال چې د برونزو مډال وو، ۳۴ کاله وروسته د هغه وخت څخه کله چې محمد ابراهیمی د آزادې غیږی نیونی په لوبو کې چې د ۱۹۶۴ کال په اولمپیا کې تر سره شو پنځم مقام د افغانستان په برخه کړ چې دا هغه وخت د لومړی ځل لپاره په اولمپیا کې ښه نتیجه وه.

دا چې افغانستان د اولمپیا لوبو په لیکه کې راغی د هیواد ورزشکارانو ته ځانې ویسا او باور وشو او په آسانی سره پنځه مډالونه چې په کې یو د سرو زرو مډال هم شامل دی او د احمد بهاوی لخوا د آسیا د لومړنیو اساسی هنری لوبو په لړ کې چې د ۲۰۰۹ کال د اګست په میاشت کې په بنکاک کې تر سره شوی، تر لاسه شو.

یو د برونزو مډال د ځوانې نجلی شفیقی کارګر لخوا چې ۲۰ کلنه وه تر لاسه شو. هغه وایی: ؛ماغوښتل دا ثابته کړم چې افغانی میرمنی هم اتلولی ګټلی شی؛.

لکه چې د تکواندو د فدراسیون مشر ربانی وایی:؛اوس د افغانستان په کچه ۵۰۰ ښځینه د تکواندو لوبغاړی دی چې د تکواندو په ۲۵ کلپونو کې تمرین کوی؛.

سږ کال د تکواندو د مخکښ لوبغاړی محمود حیدری چې ۱۸ کلن ځوان دی چې هغه د تیر مارچ په میاشت کې د تکواندو د نړیوالو اتلوالی په سیالیو کې په مکسیکو کې د سرو زرو مډال وګټلو چې په دغو لوبو کې خپلو سیالانو ته یې چې د هالنډ، فنلند، مکسیکو او کوریا د هیوادونو

ځخه وود هغه وخت نړیوال اتل چې د ایران څخه وو، ماتې ورکړی. په دغو سیالیو کې د حیدری ځلیدنی دا ثابته کړه چې د دغو لوبو تنظیم کوونکو هغه د خپل عمر د کتګوری په لړ کې د نړی د غوره لوبغاړو په توګه وپیژندلو.

حیدری اوس په دې هیله دی چې د ۲۰۱۲ کال د اولمپیا په هغو لوبو کې چې په لندن کې به جوړه شی د سرو زرو مډال وګټی. نوموړی وایی:؛ زما یواځینی هیله دا ده چې د ۲۰۱۲ کال د المپیا د لوبو په لړ کې خپل هیواد ته د سرو زرو مډال راوړم – له همدی کبله زه اوس سخت تمرین کوم او باوری یم چې هغه به ګټم؛.

د سږ کال په پیل کې حیدری د تکواندو د اتلوالی په هغو لوبو کې د سرو زرو مډال وګټلو چیرته چې هغه د امریکې د متحده آیالاتو، چین، اردن، ایران، کوریا، فلیپین د تکواندو ورزشکارانو ته ماتی ورکړی.

افغانستان اوس دې ته چمتو کیږی چې د نړیوال ورزش په هغه فیستیوال کې چې نږدې وخت کې به په چین کې جوړ شې، او همدارنګه د اسلامی هیوادونو په هغو لوبو کې چې د سږ کال په وروستیو کې به په مالیزیا کې جوړې شې، ګډون وکړی چې په دغه لوبو کې به محمود حیدری هم ګډون وکړی. حیدری په پوره ویاړ سره وویل:؛زه د دې فرصت ځخه خوښ یم چې یو ځل بیا هلته وځلیږو او د افغانستان بیرغ پورته کړو؛.

د جمیل دانش لخوا

لیکوونکې د یوناما د راډیویی خپرونو جوړونکی او د تکواندو تور کمربند یې تر لاسه کړی دی.

son you most admire?

تواب الدين غورځنګ ازاد خبريال

د افغانستان د کرکټ په ملی لوبډله کې زما د کپتان نوروز منګل، چې د خوست اوسيدونکې دې، رول ډېر خوښ دي، ځکه چې د ده په مشرۍ افغان کريکټ لوبډلې وکړای شول چې، د دنيا په مهمو ډګرونو دافغان ولس دريښتيني، موقف استازيتوب وکړی او نوروز منګل پدې بريالي شو، چې له خپلې لوبډلې سره، د دنياوالو په ذهنونو کې هغه تصور، چې ګنې افغانستان يوازې د اور او وينو سيمه ده، واړوی.

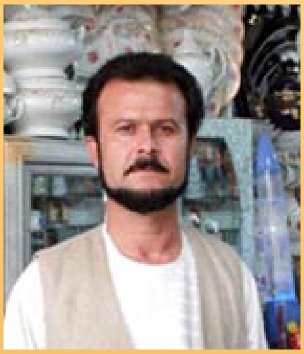

حميد الله ”بلوچ“ ۴۳ ساله،

مسوؤل آگاهی عامه دفتر ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات مقیم کندز ودوکاندار گفت :“ روح الله ”نیکپا“ نخستین مدال آور افغان از بازی های المپیک، ورزشکار مورد علاقة من است، زیرا برای بار نخست در تاریخ افغانستان پیروزی آورد، وبه شکل گسترده ای از طرف مردم افغانستان استقبال شد، او یک ورزشکار جوان است واندام موزون دارد.

رحیم جان نانپزدر بامیان:

روح الله نیکپا ورزشکار مورد پسند من است، او ورزشکار خوب تکواندو است، من اورا دوست دارم چرا که او اولین ورزشکار مدال آور المپیک در کشور ما است.

نعمت الله متعلم صنف یازدهم در بامیان:

من بازی کریکت را دوست دارم، من افتخار میکنم که تیم کریکت کشور ما در جام جهانی کریکت درخشیدند، من تمام اعضای تیم کریکت ما را دوست دارم.

Who is the sports per

AZIZAH AZIZI, School Teacher, Herat

"Sports in Afghanistan has grown day by day. Many people nowadays exercise and enjoy playing sport. Even women go to the gym now and it shows a very positive change. I am old now and cannot exercise much, but I am fond of wrestling. I think the best wrestler today is Hakimullah Hakimi, who has taken part in various competitions in Afghanistan and abroad."

DR. MOHAMMAD NAEEM AHMADZAI,
Director Of Paktya Awoosthon Civil Society, Gardez

"I like many sports, but my favorite one is Kyokushin or karate. Mohammad ullah Sabiri is my favorite sportsman. He has achieved at the national and international level through meditation, discipline, and training. In March 2010, Afghanistan obtained second position in the all-Asia Kyokushin-kan Championships under his supervision in Malaysia."

FARAH NAZ, STUDENT, Nangarhar

"I like the cricketer Raees Ahmadzai. He's tall and that helps him to be a better fielder. I like that he's always calm and never comes under pressure and panic. We don't see any difference in his game whether he is playing inside Afghanistan or abroad."

NESAR AHMAD NASIR NIRU, Tv Presenter, Mazar-i-Sharif

"I admire Mazar's taekwondo star Shafi Sarferaz. In person, I'm told, he is a kind man, but tough like a rock in the ring. Taekwondo practitioners are fit and skilled, but they use their skills in the sport rather than to hurt people in real life. I wish this country could have better facilities to help us to develop in sports and health rather than drugs and war."

Beginning in 1953, the Afghan Government sponsored a national tournament in Kabul on the birthday of King Mohammed Zahir. At the initiative of then Prime Minister Daoud, a new form of buzkashi was organized by the Afghan National Olympic Committee: teams (10 or 12 on a side), uniforms (increasing over the years with the growing number of northern provinces), boundaries and demarcations (circles and flags whose successful rounding with the carcass resulted in cumulative points), and a rule book enforced by armed referees. This new form was far easier for the sponsor to control. Khans were ignominiously sidelined and players who argued referee decisions were summarily jailed. While still "just a game," Government buzkashi now became a form of theatre starring the head of state in the role of national sponsor.

The annual Kabul tournament likewise figured in the Government's programme of nation-building and centralization. Players who had never been south of the mountains were drawn into a two-week festival: stopping at provincial tea houses en route, gawking wide-eyed at "the city of the king," being shunted around town by Western-dressed functionaries, and returning to their northern hamlets with a keen sense of government control.

That control was, of course, shattered after 1978, but buzkashi survived all comers: the Soviets, the mujahedeen (who loved it and had kept it going during the jihad), and the Taliban (who at first banned the game as sinful but were to some extent later seduced by its sheer excitement).

In 2010 the same equestrian skills are still at work, and so are the same political dynamics. Watch for both at your next buzkashi. Who are the winning riders? Far more important: whose horses are they riding? But most important of all: who's hosting the buzkashi, and how well is he controlling it? These are the timeless issues of Afghanistan's own "great game."

However time moves on. Winning riders once received cloaks, turbans, rifles, carpets, and even fine horses. By the 1970s, most prizes took the form of cash: Afghanis. Now, US dollars dominate, but not entirely. Televisions and DVD players are awarded at Nowroz buzkashis in Mazar-i-Sharif. At least one Afghan communications firm has helped sponsor some Kabul games with cell phones as prizes. One winning chapandaz of my acquaintance couldn't wait to get home. He tore open his prize, configured the phone, and made his first call while still on horseback.

The tradition of the national tournament, which was three decades in the making, fell into abeyance in the early 1980s. Successive Marxist regimes proved incapable of controlling events outside Kabul. Provincial teams went unrecruited as, overwhelmingly, the rural buzkashi community supported and participated in the anti-Soviet Resistance. Now, a generation later, the current Government has other priorities.

And yet, despite its absence from the glory-days venue of Ghazi Stadium, there are often Friday afternoon games in Kabul during the winter season. Announced by radio on Thursday evenings, these games take place at various locales: the old Military Club behind ISAF headquarters, an open field below the Bala Hissar, and in the northern suburb of Qasabad. Some of the horse owners, far from being old-style northern khans, are modern big-city businessmen. Many of the Kabul riders are new to buzkashi, but they learn fast. And visitors are invariably welcome.

By Dr Whitney Azoy

Dr Whitney Azoy has been involved with Afghanistan since 1971 as a field anthropologist, refugee relief worker, reconstruction consultant, Pulitzer nominee journalist, and National Geographic filmmaker, among other roles. He most recently served in Kabul as Centre Director and Senior Research Fellow at the American Institute of Afghanistan Studies.

A Buzkashi Primer

A ride through Afghanistan's oldest sport is now being used by the powerful for political gains.

Buzkashi (Persian for "goat grabbing") ranks, arguably, as the world's wildest game. In recent decades, it has also become Afghanistan's signature sport: commemorated on postage stamps, hotel tableaux, and Ariana Airlines' ticket folders. One wall in the Ministry of Information and Culture is devoted to portraits of the country's celebrated rulers, another to a vast mural of buzkashi.

Originating north of the Hindu Kush, buzkashi represents the equestrian legacy of Turco-Mongol steppe nomads: Turkmen, Uzbeks, Kazakhs, and Kirghiz. Settlement and collectivization of these groups in the Soviet "stans" reduced buzkashi to dull ceremony. And so, from the 1920s onwards, northern Afghanistan was the last home of buzkashi as it had been played for centuries.

If you're lucky and somewhere in northern Afghanistan between November and March, you may stumble on – or be trampled by – one of the old-style games. Traditional buzkashi lacks teams, uniforms, boundaries, and written rules. The aim is simple to describe but hard to achieve: each rider strives to get the carcass – headless and hoofless – off the ground and ride "free and clear" of everyone else.

There may be hundreds of riders. The carcass may weigh 40kg. Disputes are frequent: How free is "free" and how clear is "clear"? And who's to decide? Given the game's inherent violence, good-natured disputes can quickly escalate into bloody conflicts. Then the true principals of buzkashi come head-to-head.

Buzkashi seems to foreground the specialist rider, called the chapandaz who is recognizable by his fur helmet or, sometimes by his leather Soviet tank headgear. In fact, the key figures are older, more established men called khans who own the horses, employ the riders, and host the games. Khans are the big men of northern Afghanistan, dominating real-world struggles over land, water, livestock, business locations, and other scarce resources.

Buzkashi – especially its disputes and conflicts – provides these khans with an arena for demonstrating their power. The khan who can host a problem-free buzkashi – or can pacify a buzkashi that has collapsed into violent conflict – gains prestige in the endless quest for political reputation.

At first, the trip across the Hindu Kush to Kabul was made by horseback and had all the qualities of an adventure unto itself. The flavor of these early years – before the Salang Pass tunnel was built – is marvelously preserved in Joseph Kessel's epic 1967 novel Les Chevaliers, appearing in English a year later as The Horsemen. By 1971 Columbia Pictures released the movie version with Omar Sharif.

while Firdaws runs a car rental business. Everyday, they meet at the NUD office inside the compound of the Social, Martyrs and Disabled Affairs Department, which also houses a school for orphans with about 740 students.

Masood Safi, a Director with NUD, says among 4,000 registered people with disabilities in Nangarhar, NUD has already found jobs for about 500.

Safi, who also lost a leg, says people with disabilities might have lost their legs or arms, but one thing they have kept alive is their hope for their country and sports is to be credited partly for generating this hope.

"Almost all of these men became disabled in the course of the civil war, mostly during Najibullah's time and afterwards, during fighting between jihadi parties and, even, some ex-Taliban have been registered with us," said Safi. About 5,500 people with disabilities from three eastern provinces – Kunar (2,000) Laghman (2,000) and Nuristan (1,500) – have been registered with NUD.

One man full of hope is 28-year-old Shafiqullah Samim, who lost his left arm in a rocket attack in 1990 at the age of nine, when he was on his way to school in Jalalabad.

"Some people say I can't do anything because I am a disabled person. But I am showing them that I can do everything," said Samim, who claims to be a better player than some members of Afghanistan's strong national cricket squad, adding that he sees Afghanistan's future in sports, not bullets.

Recalling Afghanistan's startling rise in world cricket, the father of six says he is so passionate about cricket that he wants to see himself on the sports field in some capacity, even 20 years down the line.

"Sports promotes social cohesion and harmony," said Samim on a recent afternoon after playing football and volleyball with his friends who also have disabilities.

The favourite pastime of these men is playing volleyball, football and cricket. On an average, each one of them spends three hours playing on the muddy ground of their common compound everyday.

But why play sport? "Because it's good for physical and mental health and it prevents the youth from slipping into addiction to (illicit) drugs and smoking," reasoned Samim, who also trains others in embroidery.

Hayat Khan, Sports Director of NUD in Jalalabad, is so proud that his men with disabilities beat a team comprising officials and staff of eight foreign embassies and the Afghan Ministry of Defence in cricket last March in Kabul.

Khan, 39, who, as a jihadi fighter, also lost his right leg in a mine blast in 1988 while going to capture a Government post in Chaprahar district in Nangarhar province, said he spends most of his time organizing sports teams and generating donations. "I also assign teams to participate in competitions, mainly in Kabul," he said, adding that his team beat teams from Mazar-i-Sharif, Logar and Kabul in volleyball last year.

"The main problem is that the Government is not supporting us at all, apart from (an allowance of) Afs 600 (US$ 12) a month provided to each disable person," said Khan.

Nadir Shah, 45, a sports hero of Afghanistan, who cycled world-wide for one year and six days in 2002 and 2003 before reaching New York, says sports can be extremely useful for the people with bitter pasts and disabilities "because it helps reduce tension and increases immunity against illnesses."

By Tilak Pokharel and Shafiqullah Waak, UNAMA

Afghanistan's new battlefield

How sports is bringing former enemies and the disabled together

Firdaws was an Afghan soldier during the Soviet-backed Najeebullah presidency in the late 1980s while Malek Ranga was a jihadi fighter and hence a sworn enemy of the then Government.

Despite both being fellow Pashtuns from Afghanistan's Nangarhar province, they fought a war against each other at the order of their commanders. End result: Firdaws lost his left leg and Ranga his right leg.

On a recent spring afternoon, over two decades later, and with artificial legs, they were still seen fighting against each other. But they were not fighting to finish the other off. Rather, this time, they were fighting for a football, on a muddy and slippery ground in Jalalabad, the capital of Nangarhar province

Two things that have now brought them together in their 40s are their physical disabilities and sports.

"It keeps you physically and mentally fit and helps develop a feeling of brotherhood among compatriots," says Firdaws, adding that he wants to forget the past.

"I was in the front-line of fighting in Jalalabad when I was struck by a mine," he explains how he lost his leg. Later, he got his left leg amputated, lost his army job and started his own business.

Now a father of two sons and two daughters, Firdaws says he developed interest towards sports after watching Western television programmes that showed people with disabilities playing. He says he also wrestles.

He is happy that he lost 15 kg of weight in the last three months. He weighs 105 kg now.

Firdaws and Ranga are among 23 people with physical disabilities, who visit the office of the National Union of the Disabled (NUD) in Jalalabad everyday for mutual support and recreation. Accommodation for 15 people has been provided by the institution.

Ranga has found a job at the Social Affairs Department

players traveling to Karachi. Of those 24 players, five players are still key members of the national cricket team: Nawruz Mangal (captain), Raees Ahmadzai, Dawlat Ahmadzai, Mohammad Nabi, and Karim Sediq.

After the tournament in Pakistan, which Afghanistan lost, they decided that Afghanistan should be a cricketing nation. They started to cobble together an Afghan Cricket Federation and a proper team. Although facilities were still non-existent, Afghanistan was given the opportunity to participate in the Asian Cricket Council Trophy in Malaysia in 2004. In this tournament the Afghans beat Bahrain. This was the first win that Afghanistan cricket recorded.

"When we won that game against Bahrain we felt that if this is possible, anything is possible and we felt that with hard work we could achieve more. From that point on we took cricket very seriously," remembers Ahmadzai.

Afghanistan rose through the International Cricket Council (ICC) Divisions with lightning speed. In May 2008, the team traveled to the island of Jersey where they participated in Division 5, the lowest division of the competition. They won the first-place trophy in that tournament and celebrated with the attan (the national Afghan dance) on the pitch.

Five months later in October 2008, the team traveled to Dares Salam in Tanzania and competed in the ICC Division 4 tournament which they won. The Ministry of Haj was proud of their success and the Afghan Cricket team was awarded a trip to Haj in December 2008.

The team shortly then traveled in January 2009 for days to reach Buenos Aires for the next tournament, but it was well worth the journey as they left Argentina with another first place trophy in hand, and the opportunity to compete in the World Cup qualifying round in South Africa in April 2009.

Afghanistan was the first team to rise through the ranks from Division 5 to the World Cup qualifier in such a short time. But then in South Africa, the dream for the 2011 World Cup ended. Their performance early in the competition wasn't strong enough, although they beat teams such as Scotland and Ireland in the early stages. But their performance was good enough to gain One-Day international status, and more importantly it also meant that the team was given the opportunity to qualify for the ICC World Twenty20 which took place in February 2010.

This time the Afghans showed up and weren't taking no

for an answer. Playing in Dubai Sport City, with 10,000 Afghan fans looking on, Afghanistan qualified and won first place in the ICC World Twenty20 qualifier. It was a salve for the wound of being denied a place at the ICC World Cup 2011.

Their success in Dubai meant they were finally competing in a world-class competition to be televised world-wide. Their trip to the West Indies was, for many in the team, a dream come true. Although both games against India and South Africa ended in losses, the team made their mark. Cricket journalists and commentators praised the team for their efforts.

They are also keen to give something give back to Afghanistan. Most of the team works with an NGO, Afghan Youth Cricket Support Organization (AYCSO). Working with the MCC and Afghan Connection, an NGO, AYCSO holds cricket camps around the country for young boys.

Captain Nawruz Mangal recently participated in a camp in Khost. "Many youngsters want to play cricket for Afghanistan and they want to become like the national team players. When I recently did the camp in Khost, we only had enough funding for 50 children to participate in the camp, but 12,000 children turned up. It was amazing," said Nawruz.

The team have started a website called Proud to be an Afghan (www.proudtobeanafghan.com) They want to build schools in the villages that their families come from, and are hoping to sell "Proud to be an Afghan" cricket jerseys and signed bats, caps, photos and posters to raise money.

By Leslie Knott

Leslie Knott has lived and worked as a journalist in Afghanistan since 2004. She most recently produced Out of the Ashes, a documentary for the BBC that chronicles the Afghan Cricket team's efforts to make it to the World Cup.

The rise and rise of Afghan cricket

What began as a new sport has quickly captured the attention of Afghanistan's young and old, with the national team's recent successes.

It was the steel drums playing the Afghan National anthem that got me. We had traveled and filmed with the Afghan team for two years and nothing said "we have arrived" like hearing the tinny calypso of Milli Surood echoing across the Beausejour Cricket Ground in St. Lucia on 1 May.

Cheerleaders in hot pants with their faces painted and colored feathers gyrating to the hypnotic drums coaxed the pasty skinned spectators waving Afghan flags to get involved. The Afghan cricket team was making history. Afghan cricket commentators perched in their radio boxes ready to broadcast live to Afghans on Salam Watander. Most of those listening didn't know what a wicket was, and perhaps they still don't, but what happened on 1 May 2010 was something all Afghans could be proud of. Afghanistan's cricket team had arrived on the international stage, ready to take on India in the ICC World Twenty20 tournament.

For most Afghans the rise of the Afghan cricket team seemed to have appeared out of nowhere, but for those in the know, this tournament was a labor of love, hard work and a fitting end to a journey that has spanned more than a decade.

The storyline could have come out of a Hollywood blockbuster: young Afghan refugees who grew up playing cricket on rocky concrete pitches with no shoes, using sticks for bats and wound-up cloth for balls, were finally being given the opportunity to pad up against their cricketing heroes, and more importantly were given the chance to show the world that Afghanistan has more to offer than headlines of war and terror.

"People of the world think that Afghans are only involved in war and I think that cricketers show the world we are not warriors. We are peaceful and we want a good relationship with the world. I think our cricket players have acted as ambassadors for the country," says Raees Ahmadzai, a middle-order batsman and one of the senior members of the Afghan team.

Originally from the village of Azra in Logar province, Raees and his family fled Afghanistan during the Russian invasion in the 1970s. Part of the nomadic Kuchi tribe, they settled in Kachagari refugee camp where Raees was raised, and was first introduced to cricket.

"I can still hear the song that played when Pakistan won the World Cup in 1992. When we saw the celebrations, heard the guns being fired, and felt the happiness, we decided we wanted to learn more about this game," remembers Raees.

The first time Raees came to Afghanistan was in December 2001. He came back for cricket. He had heard that the Afghanistan team that had been loosely formed in Kabul was about to travel to Pakistan for their first international match. Raees wanted to be on that team.

"At that time, when I crossed the border I was so sad for the condition that Afghanistan had become. No facilities, no roads, everyone looked tensed and I was so sad that Afghanistan had fallen so far behind the rest of the world," recalls Raees.

The historic tournament in Pakistan went ahead with 24

sport builds bonds across diverse groups. And all this on wheels, in the booming cavern of the rink – a million miles from conference room diplomacy.

More than 300 young people regularly come to Skateistan for skateboarding and other activities.

Sophie Friedel, a German trainer who joined the Skateistan team a year ago, says that she sees change in young people take place over time. At the beginning, she says, the rich and poor children sit across from each other and rarely communicate. But within weeks they start speaking to each other.

“Once, while waiting for class to begin, the richer girls came and kissed me on the cheek,” she recalls. “When the poorer girls came, they also kissed each other on the cheek. This is amazing. I am not sure this will work all across Kabul, maybe not. It may be different in their home environments. But, at least, this is where they can express themselves freely,” she says.

Mukadasa carefully navigates her skateboard between bright red cones and comes to sit with a group of girls on one of the ramps. The seventh-grade student began training here less than two weeks ago and she already has friends. “I feel happier after coming here. Even after I finish class, I want to skate more in the streets, at home, and at school. I asked my father to buy me my own skateboard, but he says he doesn’t have the money,” she says.

Farhanaz began skateboarding last year after her school teacher enrolled her at Skateistan. Her parents are supportive. “My family is very happy that I study and skate here in my spare time. I want to be the best so that I can support myself and become a trainer like Sophie and teach other girls,” she explains hurriedly, before making her way to another ramp.

The girls’ confidence shines. As Friedel noted, they are starting to voice opinions and ideas.

“I ask them simple, silly things like ‘what do you like more apples or bananas?’ Just so that they can form their opinion, likes and dislikes,” she says.

And, truly, at least some of the 315 students of Skateistan are beginning to do just that. “Would you talk to us about how you began skateboarding?” we ask Wahila, who is resting to catch her breath.

“No,” she says bluntly, and darts off to join the other girls.

Skateboarding:

The new language for young Kabulis

Young Afghans developing access to sports is helping Afghanistan's youth and bringing people together.

A dozen teenage girls stand in the centre of the large dome-shaped room listening to Wahilla's instructions. Chatter bounces off the cavernous walls of the dome until they break and scramble to collect skateboards from a rack, put on helmets and knee pads and surround their instructor. The girls know the drill, and they handle their gear so confidently that you can forget for a moment just how unusual a girls' skateboarding class is in Afghanistan.

Thirteen-year-old instructor Wahilla is younger than some of her students. She used to sell chewing gum on the capital's dusty streets until she met Oliver Percovich, an Australian researcher who came to Kabul in 2007 and, while waiting for a job, began teaching skateboarding to the city's street children. Wahilla picked up the sport quickly and practiced for hours each day in her neighborhood of Macroyan. She now earns roughly 6,000 Afs (US $150) a month teaching skateboarding to girls her age.

"Wahilla is a star out here at the rink," says Percovich, director of the NGO Skateistan which he co-founded in 2008.

"But in the classroom, where she has also started taking informal study classes, somebody else is a star and she's just a regular student," he continues. When they learn from each other, they understand each other much better than any teacher can."

Skateboarding is just the start of it. Wahilla and other girls and boys like her, who have missed out on schooling, also attend weekly back-to-school classes in Koran study, Dari and mathematics.

"Sport is an easy entry point for getting into education and it doesn't matter if young people are rich or poor or educated or not, they are participating in the exactly same way in sport. We hope to build on that and take it into the classroom," says Percovich

With 25 team members, most of whom are volunteers, Percovich sees Skateistan as a place where sport can give young people practical experience in peace-building. Bridging divides of ethnicity and social class and opportunity, sport provides a platform for young people to come together, to listen to each other, talk, and learn from each other. Achieving together through

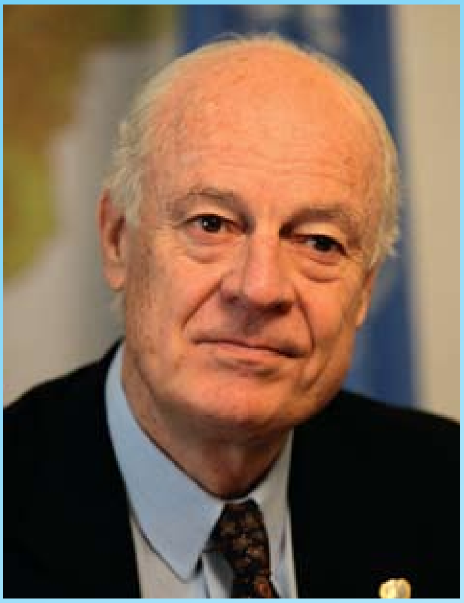

Staffan de Mistura
Special Representative of the United Nations Secretary-General for Afghanistan

Young sporting Afghans inspire us all to work for peace

Young people are the future of Afghanistan. To take their place at the forefront in building a peaceful and prosperous nation, young Afghans need opportunities to learn, to grow, to get to know each other across the divides of ethnicity, geography, gender and other social groups.

Sport is a wonderful way to bring young Afghans together in this endeavour. Sport gives young people opportunities to work in teams for a common goal, to test their patience, their endurance and determination and build their skills to achieve personal and team dreams. Sport fosters healthy values such as discipline, cooperation and commitment

As this edition of Afghan Update highlights, young Afghans are eager to take up opportunities to enjoy sport. Whether individual sports like taekwondo and skateboarding, or team sports like cricket and football, Afghan girls and boys, young women and men from across the country play sport every day. With the pressure and strain faced by so many communities during this time of unresolved conflict in Afghanistan, the young Afghans in this edition remind us through their stories the importance of fun in our lives. In their laughter, their support for teammates and their respect for opponents we see the foundations being created for peace in the new generations of Afghanistan.

This year the International Day of Peace came just one month after the launch of the International Year of Youth. The United Nations in Afghanistan is working in many ways to promote a better life for the young of this country. In October, 100 girls and 200 boys spent three days at a cricket training camp in Jalalabad to celebrate the International Year of Youth. The theme of this UNICEF-supported camp was “dialogue and mutual understanding” - showing how sport encourages tolerance and acceptance as well as contributing to the physical, ethical and social development of young people.

Dialogue and mutual understanding is the theme for the International Year of Youth – through playing sport in communities all across the country, young Afghans are helping to build the foundations for inter-personal and social harmony. Above all, through sport, young Afghans are helping to build peace in their country.

UNAMA Offices

Bamyan	Main Airport Road, Sir Asyab, Bamyan Centre 079 000 6460 / 0799 297 655
Badghis/Qala-i-Now	Moaref Street 0799 772 588 / 0799 825 961
Dai Kundi	Nilli Centre 0796 856 731 - 2
Faizabad	0799 822 337 / 0797 256 612 / 0797 662 507
Gardez	Shah-e-Poroje 079 000 6200 / 0799 554 202 - 3
Ghor/Cheghcheran	Opposite NSD Office 0797 256 616 - 7- 8
Herat	HMAC, next to Pashtoon Pool, Airport Road 079 000 6600 / 0700 041 323
Jalalabad	Old Governer Office 0700 041 338 -9
Kabul	UNAMA Compound B, Peace Avenue 020 210 2300 (ext. 6186)
Khost	Khost Project 0799 772 582 / 0799 772 583
Kunar	Asad Abad, Salar Bagh 0796 856 723 - 4
Kunduz	Chai Ferushi Street 079 000 6400 / 0799 825 955 / 0700 041 334
Kandahar	Haji Musa Jan House, Near Hindo Chowk, Shar-i-Naw 0700 041 340 / 0700 041 335
Maimana	Maimana Park, Maimana City 0799 822 327
Mazar-i-Sharif	Silo Road, opposite the stadium 0799 822 327-8
Nimroz/Zaranj	2nd Street, Zaranj City, Abu Dawood Sajistani 0799 772 580 / 0799 772 581
Zabul /Qalat	Main Road 0700 476 437 / 0796 959 131

UN Liaison Offices

Islamabad	11th Floor, 61-A Jinnah Avenue, Saudi – Pak Tower +39 83 124 7380
Tehran	UN Common Premises Building, 39 Shahrzad Boulevard Darrous, Tehran, Islamic Republic of Iran Tel: +98 21 22 860 691 – 4; 22 860 925 - 8 Fax: +98 21 22 86 9187 unama-iran@un.org

ABOUT UNAMA

The United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA) is a political mission established by the UN Security Council in 2002 at the request of the Government to assist it and the people of Afghanistan in laying the foundations for sustainable peace and development. UNAMA works in an integrated way with the agencies, funds and programmes that make up the UN family in Afghanistan, which has supported the Afghan people for 65 years.

UNAMA, led by Staffan de Mistura, the Special Representative of the Secretary-General for Afghanistan, supports the Government and people in their efforts to improve critical areas, including peace and reconciliation, security, governance and economic development, and regional cooperation, as well as to support the full implementation of mutual commitments made on these issues at the London Conference in January 2010 and the subsequent Kabul Conference in July 2010. UNAMA and the UN family also work for the protection and promotion of human rights, and the equality of women.

For a full read of daily news and feature stories on UN activities in Afghanistan, Photos of the Day, press statements and reports, visit the UNAMA website at www.unama.unmissions.org

UNAMA produces a weekly radio show on a wide range of topics, including the programmes and activities of the UN to support the people of Afghanistan. Afghanistan Today (Afghanistan Emroz) is broadcast on the national broadcaster RTA (Radio Television Afghanistan) and can be downloaded in Dari and Pashto from the UNAMA website.

UNAMA co-produces two regular television shows with the national broadcaster RTA. CSA: Crime Scene Afghanistan (Dar Jostejoi Haqayegh) is an award-nominated crime and investigation series. MOC: Mirror of the City (Aine Shaher) is a bi-weekly current events show that features segments on different issues, including the environment, rule of law, public health and politics. Mirror of the City serves as the Afghan public television's flagship public affairs series. Catch us Thursdays and Mondays on RTA.

Afghan Update is a quarterly publication of the UNAMA Strategic Communication and Spokespersons Unit, highlighting the efforts and achievements of the people of Afghanistan to build their country.

Table of Contents

SRSG Staffan de Mistura editorial: Young sporting Afghans inspire nation to work for peace 01
Skateboarding: The new language for young Kabulis 02
The rise and rise of Afghan cricket 04
Afghanistan's new battlefield 06
A Buzkashi primer 08
People speak: Who is the sports person you most admire? 10

Additional contributions by: *Fraidoon Poya, Sayed Barez, Dilawar Khan Dilawar, Shamsuddin Hamedi and Jaffar Rahim*
Copy edited by: *Aditya Mehta, Nazifullah Salarzai, Kieran Dwyer and Aurora Alambra*
Edited by: *Aditya Mehta*
Photographers: *Fardin Waezi and Eric Kanalstein, Cornelia Walther/UNICEF and Jawad Jalali*
Design by: *Wasim Abbas*

AFGHAN
UPDATE

January 2011 / No. 25

YOUNG SPORTING AFGHANS INSPIRE NATION TO WORK FOR PEACE
SKATEBOARDING: THE NEW LANGUAGE FOR YOUNG KABULIS
THE RISE AND RISE OF AFGHAN CRICKET
AFGHANISTAN'S NEW BATTLEFIELD
A BUZKASHI PRIMER
PEOPLE SPEAK ON SPORTS STARS THEY ADMIRE THE MOST

SPORTS EDITION

UNAMA Publication